

# بررسی آثار و پیامدهای

## از دواچه های غیرقانونی زنان ایرانی با اتباع خارجی

واحد درسی: پروژه تحقیقاتی

استاد راهنما: .

دانشجو:

رشته: علوم تربیتی - گرایش مدیریت آموزشی  
دانشگاه پیام نور - واحد مشهد

ترم اول سال تحصیلی ۸۹-۹۰

تقدیم

تقدیم به استاد گرانقدرم

جناب آقای دکتر نعمتی

که با سعه صدر

و مهربانی تمام

مشوق و راهنمای دانشجویان خود هستید.

بانوان حدود نیمی از جمعیت استان خراسان رضوی را تشکیل می دهند . با توجه به تأکیدات فراوان دین مبین اسلام و مذهب تشیع مبنی بر حفظ شأن و کرامت زن و دختر بعنوان پایه اصلی تربیت خانوادگی و اجتماعی فرزندان و بعنوان فردی که سهم مهمی در فرایندهای اجتماعی جامعه برخوردار است ، و با عنایت به مخاطرات و آسیب های جدی که این طیف از جامعه را بخاطر جنسیت آنها و نیز ویژگیهای مختلف ناشی از نوع جنس شان تهدید می کند ، تلاش در جهت مصون سازی روابط متقابل اجتماعی ، فرهنگی ، خانوادگی و ... زنان و مردان در جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است .

چندی است که بخاطر حضور پر حجم و بی قاعده اتباع بیگانه یخصوص مهاجرین افغانی و عراقی در کشورمان و به ویژه در استان خراسان رضوی شاهد برهم خوردن نظم یکی از ساختارهای بنیادین اجتماعی یعنی ازدواج هستیم . بروز ازدواجهای غیرقانونی و افسار گسیخته زنان ایرانی با اتباع خارجه ( که در حال حاضر به علت حجم فراوان آن تبدیل به یک پدیده شده است ) آسیب های فراوانی را بر این زنان و نیز فرزندان حاصل از آن ازدواجها وارد نموده بنحوی که مخاطرات آن به بدنه اجتماع نیز وارد شده است . در تحقیق حاضر که با بهره گیری از یافته های خام بررسی ها و تحقیق های اداره کل ثبت احوال خراسان رضوی صورت پذیرفته است ، به بررسی علل بروز پدیده و نیز پی آمدهای ناشی از آن در استان پرداخته ایم .

وجود تجربه و دینای لازم که قبلاً توسط کارشناسان محترم اداره کل ثبت احوال استان جمع آوری شده اند ، کار را بسیار سهل و آسان نمود که بر خود فرض می دانم از لطف و همکاری مدیر کل محترم ثبت احوال استان و معاونین محترم ایشان و نیز کارشناس آمار و جمعیت آن اداره کل که من را در شروع و طی بررسی یاری نموده و اطلاعات لازم را در اختیارم گذاشته اند تشکر و قدردانی نمایم .

لازم است از راهنمایی های استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر نعمتی که در انتخاب موضوع و تهیه پروپوزال و نیز انجام تحقیق یار و یاور من بوده اند و همچنین سایر همکاران دانشگاه ، تشکر و امتنان خود را اعلام نمایم . والسلام

# فصل اول

## کلیات تحقیق

حضور چندین ساله مهاجرین خارجی در ایران و بالاخص مهاجرت و حضور غیر قانونی تعداد زیادی از آنها در ایران باعث عمیق شدن مراودات آنها با جمعیت ایرانی و در نتیجه افزایش تعداد ازدواجهای آنان با ایرانیان گردیده که شیوع این نوع ازدواجها یعنی ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، تبعات و پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و جمعیت شناختی متعددی به دنبال داشته است، هر چند این نکته انکار ناپذیر است که انجام چنین ازدواجهایی احتمال در بر داشتن برخی نتایج مثبت را نیز دارد ولی عمده نتایج بخصوص در مورد بانوان ایرانی به شق منفی میل می نمایند و ذیلاً به برخی از این آثار و پیامدها اشاره می شود:

الف) آثار و پیامدهای حقوقی

۱- محدودیت در تملک

۲- محرومیت از حقوق سیاسی

۳- پیامدهای تابعیتی و سجلی

ب) آثار و پیامدهای اجتماعی

۱- تأثیرات شخصیتی

۲- تأثیرات اجتماعی بر کودکان

۳- تأثیرات اجتماعی بر زنان ایرانی

ج) آثار و پیامدهای فرهنگی: ( تضعیف هویت ملی )

د) آثار و پیامدهای امنیتی

با توجه به پیامدهای فوق همان طور که کارشناسان و اندیشمندان مسائل اجتماعی عنوان می کنند اگر برای مقابله با پدیده مهاجرت و مهاجران غیر قانونی در کشور چاره ای اندیشیده نشود، تبعات متعدد چنین حضوری صدمات جبران ناپذیری بر کشور و ساختار فرهنگی و اجتماعی آن وارد خواهد نمود. تحقیق حاضر پیامدهای تابعیتی و سجلی حاصل از اینگونه ازدواجها که در زمره پیامدهای حقوقی است را به عنوان یک مسأله اجتماعی در نظر گرفته و در پی آن است که به این سؤال ها پاسخ دهد که آیا شیوع این نوع ازدواجها

رامی توان در جهت مقابله با شیوع این پدیده ارائه نمود؟

## - اهمیت و ضرورت تحقیق :

ایران از جمله کشورهای عمده جذب و اسکان مهاجرین بالاخص پناهجویان در منطقه خاور میانه و جهان به شمار می آید که بطور ناخواسته و در برخی موارد بطور خواسته و بدلائیل بشر دوستانه مورد هجوم سیل عظیم آوارگان و مهاجرین اجباری شده است. اکثریت مهاجرین بین المللی ساکن در ایران، مهاجرین افغانی و عراقی می باشند که پس از آغاز مشکلات در کشورشان و در مقاطع زمانی مختلف، مهاجرت اتباع این کشورها به ایران بصورت گروهی انجام شده و در طی زمان نیز به علت عدم کنترل کامل مرزها بطور تدریجی ادامه پیدا نموده است و در حال حاضر مهاجرین خارجی عمده در ایران به سه دسته ذیل تقسیم می شوند:

الف) پناهندگان سیاسی، یعنی آن دسته که دارای دفترچه پناهندگی هستند.

ب) آوارگان و مهاجرین یعنی آن عده که فاقد روادید در بدو ورود به ایران هستند و دارای کارت شناسایی و یا مدارکی از این قبیل دارند.

ج) افراد مقیم یعنی افرادی که با روادید وارد ایران شده اند و اقامت دارند.

هرکدام از گروههای فوق الذکر دارای حقوق و وضعیتهای خاص خودشان هستند. حضور چندین ساله مهاجرین خارجی در ایران تبعات و پیامدهای مختلفی را به همراه داشته است که یکی از این پیامدها انس گرفتن آنها با ایران و ایرانیان و بالتبع آن افزایش ازدواجها بین ایرانیان و اتباع بیگانه است و با توجه به اینکه اکثر مهاجرین را مردان تشکیل می دهند اکثر ازدواجها مربوط به زنان ایرانی است که بیشتر این ازدواجها نیز غیر قانونی می باشد. بنابراین ازدواج زنان و دختران ایرانی به ویژه با اتباع خارجی فاقد مدارک معتبر هویتی پدیده ای است که عمدتاً در لایه های پایین اجتماع در سالهای اخیر رایج و به سرعت گسترش یافته است. ازدواجهایی که به جهت عدم ثبت آن در دفاتر رسمی فاقد هر گونه پشتوانه رسمی برای حمایت از زن به عنوان یک طرف این واقعه است. یکی از تبعات و آثار امنیتی ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه علاوه بر ایجاد آشفتگی در مدارک هویتی زنان، افزایش کودکان بی هویت و فاقد شناسنامه است که این مسأله خود مسایل

کودکان، مشکلات آموزشی و... را به دنبال داشته و نظم جامعه را بطور جدی به چالش کشیده است. ایجاد فشار بر بدنه هویتی و تابعیتی کشور یعنی نظام ثبت احوال و رخنه در آن باعث بوجود آمدن معضلات و مشکلاتی از ابعاد مختلف تابعیتی و سجلی می گردد که بطور اتوماتیک این فشارها بر سایر اجزاء بدنه حکومت وارد شده و بسیاری از نظامهای اجتماعی، سیاسی و هویتی را که اسناد و مدارک سجلی را پایه فعالیت و روابط خود با مردم قرار می دهند، دچار معضل خواهد نمود. بر این اساس پژوهش حاضر بررسی و روشن نمودن آثار و پیامدهای تابعیتی و سجلی ناشی از این ازدواجها را هدف قرار داده است که در صورت روشن شدن آثار تخریبی این پدیده بر روابط سجلی مردم و ثبت احوال، امکان به دست آوردن راهکارهای کنترل آن و جلوگیری از آسیب رسانی به سیستم هویتی و سجلی ایرانیان و استحکام پایگاه اطلاعات جمعیتی کشور فراهم خواهد شد.

## - اهداف تحقیق :

### هدف کلی:

بررسی آثار و پیامدهای سجلی و تابعیتی ناشی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه" در جامعه استان خراسان رضوی

### اهداف جزئی :

- ۱- بررسی و مطالعه نظری مساله تابعیت در ایران
- ۲- بررسی نظری آثار و پیامدهای ناشی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی
- ۳- تبیین و بررسی آثار و پیامدهای تابعیتی ناشی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع در مورد زنان .
- ۴- تبیین و بررسی آثار و پیامدهای سجلی و هویتی ناشی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی در مورد فرزندان .
- ۵- بررسی و تبیین علل و عوامل بوجود آورنده و تشدید کننده پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجه .
- ۶- ارائه راهکارهای مقابله با شیوع پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی و کنترل پیامدها و آثار آن .

با عنایت به نوع تحقیق حاضر و فرضیات مطمح نظر، علاوه بر انجام بررسی های نظری و اسنادی که در بخش کلیات و نظریات تحقیق استفاده گردیده اند، روش تحقیق اصلی این پژوهش، روش پیمایشی می باشد که با استفاده از ابزار پرسشنامه، اطلاعات مربوط به جامعه آماری جمع آوری گردیده است. به منظور انتخاب افراد نمونه مورد بررسی نیز از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است. بدینصورت که نمونه های انتخابی از لیست زنان ازدواج کرده با اتباع خارجی انتخاب و سپس نمونه های مربوط به زنان ازدواج کرده با اتباع ایران بصورت قرینه ای و برابر با آنان گزینش شده اند.

اطلاعات و داده های جمع آوری شده با استفاده از امکانات و قابلیت های نرم افزار آماری **SPSS** مورد تجزیه و تحلیل در دو سطح توصیف و تبیین (دو متغیری و چند متغیری) قرار گرفتند.



[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

# فصل دوم

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

# آیات تحقیق

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

چنانچه شخصی خارجی به تابعیت ایران پذیرفته شده باشد این پذیرفته شدن آثار و تبعاتی را برای او در پی خواهد داشت از جمله :

### ۱- اثر تابعیت ایران نسبت به فرزندان

بموجب ماده ۹۸۴ قانون مدنی اولاد صغیر کسانی که تابعیت ایران را تحصیل می نمایند مانند پدر خویش تبعه ایران شناخته می شوند ولی در خصوص فرزندان کبیر بموجب ماده ۹۸۵ قانون مدنی تحصیل تابعیت ایرانی پدر تأثیری در تابعیت آنان نخواهد داشت .

### ۲- اثر تابعیت ایران نسبت به همسر

قانونگذار ایرانی امتیاز دیگری برای فردی که تابعیت ایران را تحصیل می نماید قائل شده و بموجب ماده ۹۸۴ قانون مدنی اجازه داده است همسر چنین مردی نیز به تبع وی بعنوان تبعه ایران شناخته شود .

### ۳- اثر تابعیت ایران در حقوق فرد

بموجب ماده ۹۸۲ قانون مدنی اشخاصی که تابعیت ایران را کسب می نمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می شوند اما نمی توانند به مقامات ذیل نایل گردند :

- ریاست جمهوری و معاونین او
- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه
- وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
- عضویت در مجلس شورای اسلامی
- عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر
- استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست یا مأموریت سیاسی
- قضاوت
- عالی ترین رده فرماندهی ارتش ، سپاه و نیروی انتظامی
- تصدی پست های مهم اطلاعاتی و امنیتی

با مطالعه قوانین مربوط به امر تابعیت و نیز پیشینه تاریخی موضوع به اصول و مبانی و پایه های اساسی امر تابعیت به روشنی می توان دست یافت. این اصول و مبانی را می توان در موارد ذیل دسته بندی نمود:

#### الف) آزادی دولت در تعیین اتباع خویش

چون امر تابعیت منبث از قانونگذاری دولت ها بوده و با وضع قانون از سوی هر کشوری در واقع اتباع دولت از بیگانگان متمایز می گردند، بنابراین آزادی دولت ها در اعطاء تابعیت و یا تعیین مصادیق اتباع خویش به عنوان یک قاعده اصلی و اساسی در عرف جامعه بین المللی پذیرفته شده است. دولتها با تصویب قوانین خاص می توانند حقوق اتباع خویش را تعیین نموده و دستیابی و یا عدم دستیابی اتباع بیگانه به تابعیت خویش را تعیین و حتی کیفیت ورود اتباع بیگانه به تابعیت خویش را ترسیم نمایند. بنابراین آزادی دولت به مفهوم حقوقی خویش در اینکه چه کسانی را به تابعیت خویش بپذیرد و یا چه کسانی را از تابعیت خویش بازدارد یک اصل پذیرفته شده در دنیای کنونی است.

#### ب) هر فردی باید دارای یک تابعیت مشخص باشد.

تابعیت در ماهیت خود یک رابطه حقوقی است که در یک سوی این رابطه دولت و در طرف دیگر فرد قرار دارد و این رابطه دو سویه نوعی پیوند و همبستگی و نهایتاً انتفاع در ذات خود دارد. فردی که تابع دولتی است به اعتبار این تابعیت و وابستگی می تواند از امتیازات و حقوق مقرر برای وابستگان آن دولت بهره مند شود و کسانی که دارای تابعیتی مشخص هستند نه تنها در کشور خود دارای وضعیتی روشن، ثابت و پایدار هستند بلکه در جامعه بین المللی نیز بواسطه حمایت و پشتیبانی دولت خویش وضعیتی پایدار و با ثبات خواهند داشت یعنی تابعیت می تواند به عنوان ابزار حمایتی دولت از فرد تلقی شود.

پاره ای از انسانها علی رغم داشتن تابعیت اصلی در کشورهای دیگری اقامت گزیده و تابعیت کشور محل اقامت خویش را بپذیرند و بدینسان همزمان دو تابعیت متفاوت را دارا شوند که در واقع نقض قاعده اعلامی است و مفهوم تابعیت مضاعف بدین صورت محقق می شود. البته قانون مدنی کشور ما موضوع تابعیت مضاعف را به رسمیت نشناخته است. قید مندرج در صدر ماده ۹۸۹ قانون مدنی مؤید این مطلب است: ((

تابعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می شود . ))

داشتن تابعیت مضاعف شاید در یک نگاه سطحی فوایدی برای دارنده آن در برداشته باشد از جمله اقامت سهل و ساده در کشور ثانی ، مبادرت به حرفه و پیشه و برخورداری از مزایای مربوط ، برخورداری از حقوق اجتماعی و ... ولی گاهی نیز همراه با محدودیتهائی نسبت به تابعیت اصلی دارنده آن می باشد به عنوان نمونه اگر یک فرد ایرانی دارای تابعیت مضاعفی گردد از برخی حقوق اجتماعی محروم می شود که به موجب قسمت اخیر ماده ۹۸۹ قانون مدنی به آن تصریح شده است از جمله :

- ۱- عدم صلاحیت برای دارا شدن اموال غیر منقول به گونه ای که کلیه اموال غیر منقول چنین فردی باید به فروش رسیده و پس از تعیین مخارج فروش قیمت آن به صاحب اموال پرداخت شود .
- ۲- عدم صلاحیت برای تصدی برخی امور دولتی عالی از جمله اشتغال به وزارت، معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی .

#### - سلب تابعیت :

در همین زمینه موضوعی مطرح می شود و آن هم اینکه آیا می توان تابعیت ایرانی فردی را از او سلب کرد یا خیر ؟

قانون اساسی ما در ضمن اصل ۴۱ تابعیت را حق مسلم هر فرد ایرانی اعلام نموده و دولت را از سلب تابعیت افراد ایرانی منع نموده است. اما این قاعده کلی نیست و در همین اصل به دو استثناء در این زمینه تصریح شده است :

۱- در صورت درخواست خود فرد

۲- در صورتی که فرد به تابعیت کشور دیگری درآمده باشد.

قانونگذاران به امر سلب تابعیت است که آن را از حالت مجازات و تنبیه صرف خارج نموده و به عنوان یک امر ارادی در حوزه اختیارات فرد قرار داده اند .

تبصره ذیل ماده ۹۸۹ قانون مدنی نیز بنظر می رسد در جهت همین اصل قانون اساسی باشد. آنجا که این اختیار به هیأت وزیران داده شده تا بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مضمولین ماده مذکور را به رسمیت بشناسد .

در ماده ۹۸۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن سلب تابعیت ایران به عنوان نوعی کیفر و مجازات پیش بینی شده بود که به موجب اصلاحیه مورخه ۱۳۷۰/۸/۱۴ مجلس شورای اسلامی این ماده و تبصره آن کلاً حذف گردید تا همخوانی و هماهنگی بیشتری بین قانون مدنی و قانون اساسی پدید آید . البته در این میان نباید سلب تابعیت را با ترک تابعیت ایران مرادف تلقی نمائیم چون ترک تابعیت ایران یک فعل ارادی و وابسته به عمل شخص می باشد یعنی حقی است که قانونگذار به هر فرد ایرانی داده تا تحت شرایطی اگر تمایل داشتند بتوانند از تابعیت اصلی خویش خارج شوند. بدیهی است پیوندهای معنوی و روابط عاطفی و اخلاقی فرد با جامعه ای که در آن متولد گردیده و نشو و نما نموده به عنوان عوامل بازدارنده استفاده از این حق عمل می نمایند اما گاهی شرایطی برای فرد پیش می آید که ناگزیر از پشت کردن به این سنت ها و علایق است . در اینجاست که قانونگذار هوشمند و با فراست ایرانی این امکان را به فرد داده است تا با اعمال این حق بتواند وضع خود را سامان نماید . شرایط ترک تابعیت با توجه به مفاد ماده ۹۸۸ قانون مدنی عبارت است از :

۱- رسیدن به سن ۲۵ سال تمام

۲- اجازه هیأت وزیران برای خروج از تابعیت ایران

۳- تعهد مبنی بر انتقال اموال غیر منقول خویش در زمان ترک تابعیت یا اموال غیر منقولی که به سبب ارث ممکن است دارا شود به اتباع ایرانی ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت

۴- انجام خدمت نظام وظیفه

۵- خروج از کشور ظرف ۳ ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت

بدون تابعیت باشد. امکان عقلی و عملی برای وقوع این نظریه وجود دارد. به عنوان نمونه فردی که تابعیت اصلی او سلب شده و هنوز به تابعیت کشور دیگری نیز پذیرفته نشده عملاً در این فاصله فاقد هرگونه تابعیت بوده و نمی تواند از مزایای مربوط به آن برخوردار گردد. در جهان امروز با وقوع ناآرامی ها، جنگ ها و درگیری های مختلف که موجب گریز اتباع یک کشور به سوی کشورهای دیگر و ترک خانه و کاشانه آنان می گردد تعداد افراد بدون تابعیت قابل توجه اند.

(ج) فرد نمی تواند بیش از یک تابعیت داشته باشد.

این قاعده نیز با توجه به آنچه پیش از این گفته شد نمی تواند به عنوان یک اصل ثابت و مسلم تلقی شود و عناوینی همچون تابعیت مضاعف - سلب تابعیت - ترک تابعیت و ... از موارد نقیض این اصل می باشند که در جای خود به آن پرداخته ایم. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که دوگانگی در تابعیت می تواند منشاء اختلافات زیادی در باب صلاحیت محاکم قضائی در نحوه رسیدگی به دعاوی مربوط به اشخاص ایجاد نماید. از این رو پایبندی به این اصل و اجتناب از پذیرش و تحصیل بیش از یک تابعیت رافع این اختلافات خواهد بود.

#### د) تابعیت یک امر ثابت و دائمی نیست

گذشت زمان و تطور تاریخی جوامع بشری مستلزم روز آمدی قوانین موضوعه می باشد. رسیدگی و رفع نیازهای بشر در هر عصر و زمانی مستلزم در اختیار داشتن ابزار و امکانات خاص آن زمان است. در گذشته های دور که انسانها زندگی جمعی را با غارنشینی تجربه کردند، الزامات این نوع زندگی محدود و روابط حاکم بر آن نیز به همین سبب محدودتر بود. خوردن، آشامیدن نیازهای اصلی و اساسی این نوع زندگی بود و روابط فی مابین نیز براساس تأمین این نیازهای اساسی تعریف می شد. با تکامل زندگی بشری و دستیابی انسانها به سطح جدیدی از دانش و معرفت پیرامون هستی این امکان به وجود آمد که برای بهتر زیستن و بهتر بودن تلاش شود. ماحصل این تلاش خلق تمدن های جدید و پدید آمدن جغرافیای جدید سیاسی،



شگفت انگیزی طی نمودند. این گذر تاریخی بطور طبیعی لوازم ارتباط بشری را نیز دستخوش تغییر و تحول نمود، از جمله این لوازم یکی هم قوانین حاکم بر جامعه بود. رابطه قانون و جامعه یک رابطه مستقیم است یعنی سازگاری قانون با وضع جامعه برای پاسخگویی به نیازهای انسان یک امر کاملاً لازم و ضروری می نماید و درست به همین دلیل است که ما شاهد تغییرات پی در پی در قوانین موضوعه به موازات گذر از گذشته به حال هستیم. بنابر آنچه گفته شد می بینیم قانون تابعیت کشور ما هم همپای تغییرات به وجود آمده رشد و تکامل داشته و از نقطه شروع خویش که صرفاً بیان آن در ضمن عهد نامه ها، پیمان های دو جانبه و ... بوده به شکل مجموعه ای مستقل در قانونی مدنی فعلی درآمده است. البته این تغییرات هم در شکل و ساختار قوانین بوجود آمده و هم در ماهیت و محتوای آنها، اگرچه تغییر صرفاً در یکی از این دو جنبه اتفاق افتاده باشد نمی تواند مفید به فایده باشد اما این تغییرات کافی نبوده و در حال حاضر قانون فعلی نمی تواند پاسخگوی شایسته نیازهای جامعه امروزی باشد.

البته بموجب ماده ۹۸۰ قانون مدنی اصلاحی مورخه ۱۳۷۰/۸/۱۴ مجلس شورای اسلامی کسانی که به امور عام المنصفه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و نیز افرادی که دارای همسر ایرانی هستند و از او فرزندی دارند و نیز اشخاص دارای مقامات عالی علمی و متخصص چنانچه تقاضای ورود به تابعیت ایران را بنمایند با تصویب هیأت وزیران ممکن است بدون شرط اقامت به تابعیت ایران پذیرفته شوند.

## **- ازدواج و الزامات قانونی آن در ایران**

حال که تا اندازه ای موضوع تابعیت روشن گردید به بیان مسئله ازدواج از دیدگاه قانون مدنی ایران می پردازیم. تا آنگاه با آگاهی نسبت به دو موضوع تابعیت و ازدواج به بررسی وضع تابعیت زن ایرانی که با مرد خارجی ازدواج می نماید پردازیم.

ازدواج پیوندی است میان دو انسان از دو جنس مخالف که به اجتماع یکدیگر تشکیل نهاد اولیه زندگی بشری یعنی خانواده را می دهند. نهادی که خود مبنای تشکیل خانواده بزرگتری تحت عنوان جامعه می گردد. ازدواج از منظر حقوقی نوعی عقد به شمار می رود، عقدی که وقوع آن مستلزم بروز و ظهور شرایطی است.

مدنی ایران برای صحت عقد ازدواج موارد ذیل پیش بینی شده است :

### ۱- الزام به ثبت واقعه ازدواج

بموجب ماده ۱ قانون راجع به ازدواج در نقاطی که وزارت عدلیه معین و اعلام می نماید هر ازدواج و طلاق و رجوعی باید در یکی از دفاتری که مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه ( دادگستری ) تنظیم می شود به ثبت برسد .

### ۲- نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست

ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی در واقع ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان را به رسمیت نمی شناسد ، بنابراین وقوع عقد ازدواج در چنین مواردی موکول به آن است که مرد غیر مسلمان ابتدا به اسلام گرویده و مسلمان شود. بنابراین هرگونه ازدواجی خارج از چارچوب فوق باطل و بلااثر است . نظارت و اجرای دقیق این امر در داخل کشور بر عهده دفاتر رسمی ازدواج می باشد و اما در خارج از کشور با توجه به مفاد ماده ۶ قانون مدنی که اعلام نموده : (( قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارج باشند مجری خواهد بود . )) بنظر می رسد چنانچه مفاد ماده ۱۰۵۹ ق . م رعایت نشده باشد اینگونه ازدواج ها باطل و بلا اثر باشد .

### ۳- برای ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی اجازه دولت لازم است.

بموجب ماده ۱۷ قانون راجع به ازدواج و ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است .

### ۴- نکاح با اشخاص خاصی که قانون اعلام می نماید ممنوع است .



طریق شبهه یا زنا حاصل شده باشد .

الف) نکاح با پدر و اجداد و مادر و جدات هر قدر که بالا رود .

ب) نکاح با اولاد هر چه پائین تر رود ( یعنی اولاد اولاد و ... )

ج) نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پائین رود .

د) نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات .

ه) بموجب ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است، مشروط به

اینکه شرایط مورد نظر قانونگذار وجود داشته باشد .

و) جمع بین دو خواهر هر چند به عقد منقطع ممنوع است .

ز) هیچکس نمی تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود (ماده ۱۰۴۹ق).

م)

با عنایت به موارد فوق موضوع بعدی نحوه ثبت ازدواج در دفاتر رسمی ازدواج می باشد .

## ۵- ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی

اگر زن خارجی دارای دفترچه پناهندگی یا گذرنامه و یا پروانه اقامت مجاز در ایران باشد ابتدا مراحل اجرائی

مربوط به ثبت ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی انجام گردیده و پس از ثبت ازدواج مراتب از طریق نیروی

انتظامی یا وزارت امور خارجه به اداره ثبت احوال اعلام و نسبت به صدور شناسنامه برای زن خارجی اقدام می

شود .

## ۶- کیفیت ثبت ازدواج

پس از آنکه عقد نکاح با رعایت تشریفات که لازمه آن است واقع شد صاحب دفتر مکلف است در دفتر ثبت

نکاح موضوع را ثبت و سند ازدواج را تنظیم نماید . در دفتر ثبت نکاح باید نکات زیر قید شود :

۱- شماره و تاریخ ثبت با تمام حروف

۲- تاریخ وقوع عقد ( روز - ماه - سال ) با تمام حروف

۴- نکاح دائم است یا منقطع و در صورت انقطاع مدت آن چیست

۵- مهر

۶- سایر شرایط ضمن عقد نکاح و یا ضمن عقد لازم دیگر که بین زوجین مقرر شده است

۷- امضای اشخاصی که در عقد دخالت کرده اند

البته اجازه اجرای عقد ازدواج توسط مأمورین کنسولی در ایران صرفاً در زمانی است که هر دو طرف واقعه ازدواج تبعه خارجی بوده و هر دو تبعه متبوع آن مأمور سیاسی یا کنسولی باشند و در هر حال مأمورین مذکور مکلف به اعلام واقعه به ادارات ثبت احوال می باشند و ادارات مذکور نیز مستند به ماده ۷۹ آئین نامه قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۱۹ که در حال حاضر نیز به قوت خود باقی است، مکلفند وقایع ازدواج اعلامی بشرح مذکور را در دفاتر مخصوص ثبت نمایند.

#### ۷- شرایط صدور پروانه زناشوئی

برای صدور پروانه زناشوئی برابر مصوبه مذکور باید به شرح ذیل اقدام شود:

- ۱- درخواست مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشوئی طبق نمونه وزارت کشور.
- ۲- گواهی نامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد مبنی بر بلامانع بودن ازدواج وی با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع مرد. در صورتی که تهیه گواهی نامه مذکور برای مرد امکان پذیر نباشد وزارت کشور می تواند بدون دریافت مدرک فوق در صورت رضایت زن پروانه زناشوئی را صادر نماید.
- ۳- چون براساس ماده ۱۰۵۹ ق. م نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست در صورتیکه مرد غیر مسلمان و زن مسلمان باشد گواهی یا استشهاد تشرف مرد به دین مبین اسلام باید ارائه شود.
- ۴- گواهی مبنی بر اینکه مرد مجرد است یا متأهل از مرجع رسمی محلی یا مأمورین سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد.
- ۵- گواهی نداشتن پیشینه کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع و نیز گواهی عدم سوء پیشینه کیفری از مراجع ذیصلاح کشور در صورتی که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد.

نیز تعهدنامه ثبتی از سوی فرد خارجی مبنی بر اینکه متعهد شود هزینه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا می کند، در صورت ترک وی یا طلاق او پرداخت نماید . علاوه بر موارد مذکور چنانچه وزارت کشور در مواردی مصلحت بداند برای تأمین آتیه زن ایرانی زوج را در قبال وظایفی که نسبت به زوجه دارد از قبیل حسن رفتار و ادای واجبات مالی زوجه و غیره ... مکلف و موظف به تأدیه تضمین مناسب می نماید . بعد از ارائه مدارک مذکور و طی مراحل لازم پروانه ازدواج زناشویی صادر و تحویل متقاضیان ازدواج گردیده و یک نسخه از آن نیز به اداره ثبت احوال محل ارسال میگردد . زوجین پس از اخذ پروانه زناشویی می باید با ارائه آن به یکی از دفاتر رسمی ازدواج نسبت به ثبت ازدواج خود در دفاتر مذکور اقدام نموده و سند ازدواج دریافت نماید . پر واضح است که آثار حقوقی مترتب با ازدواج صرفاً با ثبت آن در دفاتر رسمی ازدواج محقق می شود و صرف اخذ پروانه زناشویی نمی تواند این آثار حقوقی را بوجود آورد . چرا که مدرک اخیرالذکر صرفاً اجازه ازدواج می باشد و بس .

#### ۸- وضعیت ثبت ازدواج اتباع ایرانی با اتباع خارجی

در خصوص وضعیت ثبت ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی علاوه بر شرایط مورد نیاز جهت تحقق هر واقعه ازدواج اجازه دولت نیز شرط شده است . بموجب مواد باب اول از کتاب هفتم قانون مدنی و نیز قانون ازدواج مصوب سال ۱۳۱۰ اجازه دولت برای این ازدواج به رسمیت شناخته شده است . ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت نموده است . و نیز ماده ۱۷ قانون راجع به ازدواج نیز به نوع دیگری همین معنا را مورد تأیید قرار داده و مقرر می نماید ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه دولت می باشد . و حتی برای ضمانت اجرای این حکم پیش بینی نموده در صورتی که هر فرد خارجی بدون تحصیل این اجازه مبادرت به ازدواج با زن ایرانی نماید به حبس تأدیبی از یکسال تا سه سال محکوم خواهد شد . بنابراین اجازه دولت برای ثبت واقعه ازدواج در دفاتر رسمی ازدواج لازم و ضروری است ، لیکن این اجازه تأثیری در اصل واقعه از حیث صحت و عدم صحت آن ندارد .

تصریح نشده است. پس از حیث شرع، این ازدواج خالی از اشکال است اما از حیث ثبت رسمی موکول به اجازه دولت می باشد. و مادام که این ازدواج در دفاتر رسمی ازدواج به ثبت رسمی نرسیده باشد، نمی توان آثار حقوقی را بر آن مترتب دانست به همین منظور آئین نامه زناشوئی بانوان ایرانی با اتباع خارجی مصوب ۱۳۴۵/۷/۶ هیأت وزیران به وزارت کشور اجازه داده است تا نسبت به صدور پروانه اجازه زناشوئی بعنوان اجازه مندرج در ماده ۱۰۶۰ ق. م و ماده ۱۷ قانون راجع به ازدواج اقدام نموده و در صورتی که مصلحت بداند اجازه صدور آنرا به مراجع قانونی دیگر واگذار نماید .

در حال حاضر مستفاد از همین فراز قانونی در داخل کشور استنادیها و در خارج از کشور سفرا و نمایندگان کنسولی ایران به نیابت از وزیر کشور مجاز به صدور پروانه اجازه زناشوئی می باشند .

بموجب آئین نامه مصوب سال ۱۳۴۵ هیأت وزیران اجازه صدور پروانه زناشوئی به وزارت کشور داده شده است .

## - آثار و تبعات ازدواج با تبعه خارجه

### ۱- تحمیل تابعیت

اولین اثر ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی موضوع وضع تابعیت وی می باشد . چنانچه زن ایرانی با مرد خارجی که بر اساس مقررات کشور وی تابعیت شوهر به صرف وقوع عقد ازدواج به زن تحمیل می شود ازدواج نموده باشد، در این صورت تابعیت خارجی شوهر خویش را دارا خواهد شد. و بواسطه این ازدواج تابعیت اصلی خود را از دست می دهد لکن قانونی مدنی ایران این حق را به زن ایرانی داده که در صورت فوت همسر یا وقوع

دارا شود .

در حال حاضر تابعیت زوجه در صورتیکه تبعه یکی از کشورهای زیر باشد به زوجه (زن ایرانی) تحمیل می شود :

۱- ایتویپی

۲- اسپانیا

۳- افغانستان

۴- ایتالیا : طبق ( ماده ۱۰ ) قانون تابعیت کشور ایتالیا زن خارجی تابعیت شوهر ایتالیائی خویش را در صورت وقوع عقد ازدواج دارا می شود و در صورتیکه اقامتگاه زن در خارج از ایتالیا بوده و یا به خارج از ایتالیا انتقال دهد تحمیل تابعیت شوهر به زن منتفی خواهد بود .

۵- بلژیک : براساس قوانین بلژیک تابعیت شوهر بلژیکی به بانوان خارجی تحمیل می گردد و اگر زن ظرف مدت ششماه از تاریخ عقد ازدواج، اظهارنامه عدم پذیرش تابعیت بلژیک را اعلام نماید در اینصورت با پذیرش آن تحمیل تابعیت به زن خارجی منتفی می گردد .

۶- بحرین : براساس قانون تابعیت بحرین تابعیت مردان بحرینی در صورت وقوع عقد ازدواج به زن خارجی تحمیل می گردد البته بانوان خارجی می توانند پس از طی دو سال با موافقت مقامات کشور مزبور به تابعیت بحرین درآیند .

۷- سنگال : طبق ماده ۷ قانون ، تابعیت کشور سنگال به زن خارجی در اثر وقوع ازدواج تحمیل می گردد اما دولت حق دارد ظرف یکسال مخالفت خود را با قبول تابعیت زن اعلام نماید .

۸- سوئیس

۹- سوازیلند

۱۰- عربستان سعودی : بموجب ماده ۶ قانون تبعیت این کشور تابعیت شوهر به زن خارجی تحمیل می شود بشرطی که وزرات کشور عربستان سعودی با آن موافقت نماید .

شوهر قطری به زن خارجی می باشد .

۱۲- ویتنام : براساس ماده ۲۳ قانون تابعیت کشور ویتنام تابعیت مرد ویتنامی در اثر وقوع ازدواج با زن خارجی تحمیل می گردد مگر آنکه زن در حین انجام مراسم ازدواج با تقدیم اظهاریه رسمی انصراف خود را از پذیرش تابعیت کشور ویتنام اعلام نماید .

۱۳- یونان : بموجب بند ۱ ماده ۴ قانون تابعیت کشور یونان تابعیت این کشور در اثر وقوع ازدواج به زن خارجی تحمیل می گردد ولی اگر زن قبل از ازدواج با ارائه اظهارنامه رسمی تمایل خود را به حفظ تابعیت اصلی خویش اعلام نماید در اینصورت موضوع تحمیل تابعیت منتفی می باشد .

در صورتیکه قانون کشور فرد خارجی ، زن ایرانی را پس از ازدواج بین قبول تابعیت زوج و یا بقاء بر تابعیت خویش مخیر نموده باشد قانون مدنی ایران بموجب تبصره یک ماده ۹۸۷ این امکان را به زن ایرانی داده است تا در صورت تمایل بتواند تابعیت کشور شوهر خویش را دارا شود . بنظر میرسد این امتیاز قبل از آنکه برای زن ایرانی قائل شده باشد بعنوان ابزاری برای تقویت کانون خانواده و دوام و بقاء زندگی زناشوئی بکار رفته باشد چون وقتی زن ایرانی با مرد خارجی مزاجت می نماید در واقع به نوع پیوند او خانواده دچار دگرگونی و تحول عمیق می گردد. از سوئی عنصری ناشناخته با فرهنگ و آداب و سنتهای غیر آشنا وارد زندگی زن شده است و از سوئی دیگر زن ایرانی ناچار است بگونه ای تمایلات و خواسته ها و آمال خویش را به اعتقادات و باورهای همسر خویش متناسب و همگون نماید و طبعاً اینها همه در دراز مدت عوامل دگرگونی و تغییر می باشد . حال اگر جهت گیری این تغییرها تحت کنترل زن و شوهر باشد به دوام زندگی و ادامه آن کمک شایانی نموده و در غیر اینصورت چالشهای جدیدی را فراروی زوجین قرار خواهد داد و شاید از همین منظر است که قانون مدنی ایران با آسیب شناسی موضوع ، امکان پذیرش تابعیت شوهر را برای زن مهیا نموده است. البته اگر مسکن زوجین نیز به خارج از مرزهای جغرافیایی ایران منتقل شود این جهت گیری ها سمت و سوی دیگری خواهند یافت .

## ۲- تحدید حق مالکیت



مایملک خویش یک قاعده کلی است و مالک می تواند در حدود قوانین مقرر هر نوع تصرفی در مایملک خویش به عمل آورد، اما حق دارا شدن مال بواسطه ازدواج با مرد خارجی و تحمیل تابعیت او بر زن محدود می گردد. و بموجب تبصره ۲ ماده ۹۸۷ قانون مدنی زنی که در اثر ازدواج تابعیت خارجی پیدا نموده است دیگر نمی تواند اموال غیر منقول داشته باشد و دامنه حق مالکیت او مقید شده است. اما مال غیر منقول در مقابل مال منقول است. به صراحت ماده ۱۲ قانون مدنی مال غیر منقولی مالی است که از محلی به محل دیگر قابل انتقال نباشد اعم از اینکه استقرار آن در محلی خاص ذاتی باشد مثل معدن و یا اینکه بوسیله عمل انسان مستقر شده باشد بنحوی که انتقال آن مستلزم خراب نمودن یا صدمه دیدن مال یا محل استقرار مال گردد مثل ساختمان و بنا. البته این عدم مالکیت بصورت مطلق نیست بلکه تابع شرایطی است از جمله اینکه داشتن این مال غیر منقول موجب سلطه بیگانه گردد و دیگر اینکه این موجب سلطه بیگانه شدن توسط کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت امور خارجه کشور و اطلاعات می باید مورد تأیید قرار گیرد. به هر حال شاید محدود کردن دامنه مالکیت های غیر منقول در دراز مدت موجب تأمین مصالح کشور بوده و در مجموع امری پسندیده تلقی شود.

### ۳- تابعیت زن پس از ازدواج

همانگونه که پیشتر بیان شد تابعیت یا اصلی است یا اکتسابی. تابعیت اصلی بواسطه وقوع ولادت یا امور مربوط به آن محقق می شود چنانکه بموجب ماده ۹۷۶ قانون مدنی مصادیق آن چنین بیان شده است:

اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می شوند:

- کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.
- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند.
- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده اند.
- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارج است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام لااقل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند.

آنچه در این نوشتار مورد نظر ماست موضوع ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی است. در خصوص وضعیت تابعیت اینگونه افراد سه نظریه وجود دارد:

#### الف) نظریه وحدت تابعیت زوجین

طبق این نظریه از آنجا که خانواده یک رکن واحد است، لذا برای تأمین وحدت خانواده باید تابعیت واحد بر آن حاکم باشد. بنابراین تابعیت یکی از زوجین به همسر دیگر تحمیل می شود. شوهر در بسیاری از نظامهای حقوقی، ریاست خانواده را بعهده دارد و در برخی از کشورها تابعیت پدر از راه نسبی و براساس سیستم خون به فرزند منتقل می شود از جمله کشور ما. پس در اینگونه نظامهای حقوقی تابعیت شوهر به زن تحمیل می شود.

#### ب) نظریه استقلال تام تابعیت

مبنای این نظریه تساوی حقوق زن و مرد است. در این سیستم زنان می توانند بدون نگرانی از تحمیل تابعیت شوهر با مردان خارجی ازدواج نمایند و در اثر ازدواج با بیگانگان تغییراتی در جمعیت و آمارهای جمعیتی کشورها بوجود نمی آید چون تابعیت افراد تغییر نمی کند، اما براساس این نظریه در واقع نظام حقوقی حاکم بر خانواده نظام واحد و یگانه ای نخواهد بود و چنانچه در روابط کشورها بحرانی ایجاد شود وحدت خانواده متزلزل خواهد شد.

#### ج) نظریه استقلال نسبی تابعیت

براساس این نظریه استقلال زوجین در تابعیت به اراده هریک از آنان بستگی دارد یعنی افراد برای پذیرش تابعیت دیگری دارای اختیار می باشند. به دیگر سخن، زن آزاد است که پس از ازدواج تابعیت شوهر خویش را اختیار نماید و یا اینکه به تابعیت خویش باقی باشد.

#### ۴- وضع تابعیت فرزندان



محقق میگردد و سازمانی به نمایندگی از دولت در قالب اسناد خاصی این امر را انجام داده و به والدین طفل سند مربوطه را تحویل می نمایند . چالش اساسی برای بدست آوردن تابعیت ایرانی برای افراد از همینجا آغاز می شود چالشی که یک سوی آن دولت بعنوان یک شخصیت حقوقی مستقل بوده و در سوی دیگر افراد ساکن در قلمرو کشور خصوصاً اتباع بیگانه می باشند . شاید به جرأت بتوان گفت فلسفه تشکیل سازمان ثبت احوال در کشور ما ثبت وقایع حیاتی چهارگانه خصوصاً واقعه ولادت بوده است . این مطلب بخوبی از اولین تصویب نامه ثبت احوال در آبان سال ۱۲۹۷ هجری شمسی روشن میگردد چنانکه در این تصویب نامه اشاره شده :

ماده (۷) « در موقع تولد طفل اعم از ذکور و اناث پدر و در غیاب او مادر یا جد مکلف می باشند در ظرف ۱۵ روز لاقبل به اداره سجل احوال مولود جدید خود را اظهار نمایند و در موقع اخبار و اظهار باید دو نفر شاهد مصدق همراه داشته باشند . »

و یا در جای دیگر می خوانیم :

ماده (۱۳) « رؤسای خانواده علاوه بر اینکه باید موافق ماده ۷، اداره سجل احوال را از وقوع ولادت مستحضر نمایند ازدواج و فوت هریک از اعضای خانواده خود را نیز لازم است در ظرف ۱۵ روز از وقوع آن اعلام نمایند . »

آنچه باعث شده ثبت ولادت در مرتبه بالاتری از ثبت بقیه وقایع حیاتی قرار گیرد و قانونگذار به آن اهمیت بیشتری بدهد، آثار مهم و بنیادی ثبت این واقعه است. چرا که با ثبت ولادت دولت مکلف میگردد به مولود سندی اعطاء نماید که این سند واجد دو خصوصیت مهم است یکی معرف هویت اوست و دیگر اینکه تابعیت او را مسجل می نماید .

درباره ثبت ولادت اتباع خارجی در ایران اولین بار در نظام نامه قانون مصوب بیستم مرداد هزار و سیصد و هفت هجری شمسی بصورت روشن به آن تصریح گردید . در ماده ۳۷ نظام نامه مذکور آمده است :

« وقایع اربعه حادثه برای اتباع خارجه مقیمین ایران در محل وقوع واقعه ثبت می شود . »

مصوب سال ۱۳۱۵ به موجب ماده ۶۱ آن تصریح شده: « ثبت ولادت اطفالی که پدر و مادر آنها تبعه خارجه بوده و جواز اقامت دولت ایران را در دست دارند در دفاتر مخصوصی که نمونه آن ضمیمه این نظام نامه است به عمل خواهد آمد. »

بموجب ماده ۶۲ نیز مقرر گردیده برای اطفالی که مطابق ماده ۶۱ ولادت آنها ثبت می شود تصدیق ( گواهی ) ولادت صادر و تسلیم شود. پس از آن در آئین نامه قانون سال ۱۳۱۹ ثبت احوال با شرح بیشتری به این امر پرداخته شد و بنوعی زوایای دیگری از موضوع روشن گردید.

#### ۵- چگونگی ثبت ولادت فرزندان اتباع خارجی در ایران:

با توجه به ماده ۱۲ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه سال ۱۳۶۳ مجلس محترم شورای اسلامی ولادت هر طفل که در کشور ایران واقع شود صرف نظر از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به نماینده یا مأمور ثبت احوال اعلام شود. بدیهی است پس از اعلام ولادت به سازمان ثبت احوال مأمورین مربوطه نسبت به ثبت واقعه اقدام نموده و به موجب تبصره ذیل ماده ۱۳ همان قانون در صورتیکه طفل خارجی باشد بجای شناسنامه که مخصوص اتباع ایرانی است گواهی صادر می نمایند. در حال حاضر مجموعه جامع و کاملی در خصوص نحوه ثبت ولادت مربوط به اتباع خارجی وجود ندارد لکن با توجه به مقررات مربوطه از جمله آئین نامه قانون مصوب سال ۱۳۱۹ ثبت احوال و نیز قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ و دستورالعملهای پراکنده سازمان ثبت احوال چگونگی ثبت واقعه ولادت را بصورت زیر میتوان دسته بندی نمود: ۱- واقعه ولادت اطفال متولد از اتباع خارجی که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده اند پس از اعلام به نماینده یا مأمور ثبت احوال در اسناد موالید مخصوص اتباع خارجی ثبت می گردد. از شرایط لازم برای ثبت واقعه ولادت فرزندان اتباع خارجی در ایران می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) ارائه مدارک اقامت معتبر والدین طفل

مدرك معتبر اقامت با توجه به قوانین فعلی یکی از موارد ذیل خواهد بود:

- پروانه اقامت که یا بصورت دفترچه ای صادر میگردد و یا به شکل مهر در گذرنامه فرد ثبت می شود.

- گذرنامه معتبر

ب) تاریخ اعتبار مدارک مذکور در بند الف در زمان تولد طفل و مراجعه فرد به ادارات ثبت احوال نباید منقضی شده باشد .

ج) احراز تولد طفل در ایران .

تولد طفل در ایران بموجب ماده ۱۵ قانون ثبت احوال یا به تصدیق و تأیید پزشک و ماما و با صدور گواهی راجع به ولادت احراز میگردد و یا به شهادت دو نفر گواه که بر تولد طفل در ایران گواهی دهند و چنانچه در تولد طفل در ایران تردیدی وجود داشته باشد در اینصورت تأیید تولد طفل در ایران از سوی نیروی انتظامی محل امکان پذیر است تا با احراز صحت وقوع واقعه ولادت در ایران نسبت به ثبت آن اقدام شود .

پس از ثبت واقعه ولادت طفل با توجه به تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون ثبت احوال گواهی ولادت صادر و تحویل والدین میگردد . آنچه پیش از این گفته شد درخصوص فرزندان والدینی بود که هر دو خارجی بوده و براساس مقررات جمهوری اسلامی ایران وارد کشور گردیده و دارای اقامت قانونی می باشند. حال چنانچه شخصی خارجی با زنی که دارای شناسنامه جمهوری اسلامی است ازدواج نموده باشد و محل تولد زن در شناسنامه وی نیز محلی خارج از قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران ثبت شده باشد در اینصورت وضع چنین طفلی با توجه به مقررات و قوانین فعلی چگونه خواهد بود ؟ آیا این طفل تابعیت خارجی پدر خویش را دارا شده و ذاتاً خارجی خواهد بود ؟ یا همچون مادر خویش می تواند ایرانی باشد ؟ برای پاسخ به این پرسش ها ناگزیر از توضیح بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی خواهیم بود .

بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی در مقام تعیین مصادیق اتباع ایرانی چنین می گوید :

(( کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده اند . ))

براین اساس با تحقق ۳ شرط مشمولین این بند از ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایرانی شناخته می شوند و آن سه شرط عبارتند از :

۱- تولد طفل در ایران .

۲- خارجی بودن والدین .

حال با روشن شدن این موضوع برای پیدایش پاسخ پرسش های پیش گفته باید صورت مسئله را با این فراز قانونی مطابقت نمائیم . پرواضح است در فرض مطروحه :

- تولد طفل در ایران می باشد .

- والدین طفل یکی خارجی و دیگری ایرانی است .

- محل تولد والدین هر دو خارج از ایران می باشد .

ملاحظه می نمائید که شرط تولد یکی از والدین در ایران محقق نشده است یعنی علیرغم اینکه مادر دارای شناسنامه جمهوری اسلامی است لیکن در شناسنامه وی محل تولد محلی خارج از کشور درج گردیده است . پس به جهت عدم تحقق شرط محل تولد و مغایرت وضع موجود با نص صریح قانون نمی توان سایر احکام مربوطه را نیز جاری نمود و لوازم قیاس و استنتاج نیز به همین دلیل سلب گردیده است . ظلم آشکاری که به اینگونه فرزندان روا داشته می شود به جهت ضعف در قانون و عدم تطابق آن با شرایط فعلی جامعه می باشد چه مادری که خود ایرانی است و دارای شناسنامه ای است که براساس ماده ۴۶ قانون ثبت احوال نشان هویت و تابعیت فرد می باشد صرفاً به جهت اینکه محل تولدش خارج از ایران است از حق مسلم خویش دورمانده و قانونگذار فردی خارجی را که شاید هیچ پیوند و رابطه ای ( جز اینکه محل تولدش ایران بوده ) با کشور ایران ندارد به او ترجیح داده است و این نقص فاحشی است که امید می رود با تدبیر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در بازنگری جدیدی که نسبت به موضوع تابعیت دارند انشاء... مرتفع شود .

با توجه به آنچه گفته شد در صورتی که شخص خارجی با زنی که دارای شناسنامه جمهوری اسلامی است ازدواج نموده باشد و محل تولد زن در شناسنامه وی محلی خارج از کشور ایران قید شده باشد فرزندان آنان را نمی توان مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی تلقی نمود و اینان ناخواسته مشمول بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی خواهند بود چون مشمول بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به آنان مستلزم تولد مادر در ایران می باشد . علی ایحال در این موارد پس از ثبت واقعه ولادت بجای شناسنامه جمهوری اسلامی به آنان گواهی ولادت مخصوص اتباع خارجی اعطاء می شود .

ثبت شده باشد باز هم تعارض دیگری پیش می آید و آن اینکه خارجی بودن والدین که در بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به آن اشاره شده عملاً محقق نمی شود چون یکی از والدین (مادر) ایرانی است. اما در عین تعارض ظاهری با قیاس و استقراء این وضع و تطبیق آن با متن و روح حاکم بر قانون مدنی می توان چنین استدلال نمود که چون صرف تولد یکی از والدین خارجی در ایران بعنوان شرط پذیرش تابعیت ایرانی فرزند متولد از آنان در ایران پذیرفته شده است پس ایرانی بودن یکی از والدین که وجهی برتر و بالاتر و در عین حال مهمتر از قاعده اعلامی است و علقه و پیوند مستحکمتری بین فرد و کشور خویش برقرار می نماید مؤثر در مقام بوده و می تواند مبنای اقدام برای مأمورین دولتی باشد. اگر بنا باشد صرف خارجی بودن و تولد خارجی در ایران ملاک و مبنای تعیین کننده اعطای تابعیت ایرانی به فرزند ایشان باشد بطریق اولی ایرانی بودن و داشتن مدرک مثبت ایرانی بالاتر از خواسته قانونگذار بوده و نظر او را کاملاً تأمین می نماید با این همه در قانونگذاری جدید این مهم نادیده گرفته شده است و بموجب قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در حال حاضر این تفسیر موضوعیتی ندارد.

#### ۶- شرایط و چگونگی ثبت ولادت فرزندان اتباع خارجه بعد از ۱۸ سالگی در ایران:

یکی دیگر از مباحث مربوط به ثبت ولادت فرزندان اتباع خارجی در ایران موضوع ثبت ولادت آنان پس از رسیدن به ۱۸ سالگی است. در خصوص مهلت اعلام ولادت بموجب تبصره ذیل ماده ۱۵ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ بصورت مطلق مدت ۱۵ روز از تاریخ وقوع یا وقوف بر ولادت معین شده است و اماره و قرینه ای هم مبنی بر عدم ثبت واقعه ولادت بعد از مدت مذکور به میان نیامده بلکه با استفاده از مدلول بند ۶ ماده ۱۶ قانون مذکور که صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد را بعنوان یکی از اعلام کنندگان واقعه ولادت پذیرفته است. یعنی اجازه داده تا شخص کبیر خود امضاء کننده سند ولادت مربوط به خود باشد. از این مطلب اینگونه استنباط می شود که ثبت واقعه ولادت بعد از انقضای مهلت اعلام نیز منع قانونی ندارد. پس ثبت ولادت فرزندان اتباع خارجی که بیش از ۱۸ سال دارند نیز خلاف موازین قانونی نخواهد بود.

سال ۱۳۱۹ که مغایرتی با قانون بعدی نیز ندارد می باشد. که اعلام نموده « اشخاص ذکوری که به سن ۱۸ سال تمام رسیده اند بایستی شخصاً با دو نفر گواه به نماینده ثبت احوال مراجعه و شناسنامه دریافت کنند . » و در ماده ۸۴ نیز بلافاصله تصریح می نماید : « نماینده ثبت احوال مکلف است به مجرد مراجعه اشخاصی که فاقد شناسنامه هستند با انجام تشریفات قانونی اسناد تنظیم و شناسنامه صادر نمایند . » پس تنظیم سند سجلی و صدور شناسنامه علی القاعده مقید به مقطعی خاص از زمان بنحوی که در بعد از آن امکان اقدام از بین رود نیست و قید ( به مجرد مراجعه ) مؤید این مطلب می باشد .

بنابراین چنانچه فرزندان متولد از اتباع خارجی در ایران در زمان مراجعه به مأمور یا نماینده ثبت احوال بیش از ۱۸ سال سن داشته باشند ثبت ولادت و تنظیم سند موالید برای آنان در قالب قوانین فعلی خصوصاً ماده ۴۵ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه ۱۰/۲۳/۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی امکان پذیر است . البته احراز شرایط پیش گفته و نیز تائید شمول بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به متقاضی از سوی مراجع صلاحیتدار ضروری است . نکته حائز اهمیت در این باره این است که بنظر راقم این سطور برای چنین افرادی در صورت حصول شرایط و تائید موضوع از سوی مقامات ذیصلاح مستقیماً سند ولادت مخصوص اتباع ایرانی تنظیم و شناسنامه جمهوری اسلامی صادر می شود و نه گواهی ولادت اتباع خارجی . استدلال ما برای این نظریه این است که بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی در مقام بیان و معرفی گروه دیگری از مصادیق اتباع ایرانی چنین بیان نموده است : (( کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام لااقل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است. ))

شروط قانونگذار در این بند برای پذیرش تابعیت ایرانی فرد عبارتند از :

- تولد در ایران

- تبعه خارجه بودن پدر

- اقامت به مدت یکسال پس از رسیدن به سن هجده سالگی در ایران بدون انقطاع



چنانچه والدین خارجی چنین فردی به سبب کوتاهی و قصور خود در قبل از ۱۸ سالگی به نماینده یا مأمور ثبت احوال مراجعه ننموده و نسبت به ثبت ولادت و اخذ گواهی ولادت مخصوص اتباع خارجی اقدام ننموده اند. این صرفاً یک قصور است نه بیشتر و این قصور نیز در حدی نیست که اصل ثبت واقعه را منتفی نماید چنانچه قبلاً توضیح داده شد.

به دیگر بیان ما نمی توانیم به صرف عدم اقدام به موقع والدین در اخذ گواهی ولادت مخصوص اتباع خارجی برای فرزند خویش علی رغم وجود ضمانت اجرای قانونی برای اقدام مأمورین و متقاضیان آنان را از حق مسلم خود محروم نمائیم. وصف قانونگذار برای تعیین ایرانی بودن یک فرد براساس بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی کاملاً روشن است. هر فردی که شرایط مندرج در این فراز قانونی را داشته باشد از نظر قانون ایرانی شناخته می شود. در مرحله بعدی آنچه مهم است روش تائید و تنفیذ تابعیت ایرانی فرد است. یعنی باید روشی را جستجو نمود که تصدیق نماید این فرد مصداق این قانون می باشد یا خیر. بنظر ما این روش در قالب ماده ۴۵ قانون ثبت احوال پیش بینی شده است و می توانیم در این خصوص به آن استناد نمائیم. کما اینکه براساس ماده فوق چنانچه فردی که دارای والدین ایرانی است و تا بعد از سنین کبارت مؤفق به تحصیل شناسنامه نشده باشد با طی تشریفات مؤفق به اخذ شناسنامه می شود که عمده این تشریفات عبارتند از:

- تشکیل پرونده در ادارات ثبت احوال.
  - اثبات نسب خود به پدر ایرانی براساس احکام صادره از مراجع قضائی.
  - تائید هویت از طریق مراجع انتظامی.
  - تائید تابعیت ایرانی از طریق شورای تأمین شهرستان.
- مستند قانونی این اقدام نیز تطبیق وضع متقاضی با یکی از بندهای ماده ۹۷۶ قانون مدنی است. فردی که دارای پدر ایرانی است و مرجع قضائی نیز نسب او را به فرد ایرانی مورد تائید قرار داده است به صراحت بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی که فرزندان متولد از پدر ایرانی را دارای تابعیت ایرانی تلقی نموده ایرانی است. لکن اینکه فرد مصداق این فراز قانونی می باشد یا خیر بموجب رای شورای تأمین شهرستان اجراز می شود. با این توصیف درخصوص فرزند متولد از پدر خارجی نیز که شرایط مندرج در بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی را دارد

را با قانون مربوط مطابقت نموده و مصادیق آن را تأیید نماید. در این صورت تفاوتی بین اینکه فرد مصداق بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی باشد یا مصداق بند ۵ آن نخواهد بود. چرا که نتیجه طبیعی هر دو مورد در صورت تأیید ایرانی شناخته شدن فرد می باشد.

البته ناگفته پیداست شرایط دیگری که براساس قوانین موضوعه برای اتباع خارجی وضع شده مثل ورود قانونی به کشور، داشتن پروانه معتبر اقامت در ایران و ... از لوازم ضروری اقدام مأمورین دولتی خواهد بود هر چند تصریح به این امر در بازنگری قانون تابعیت فعلی می تواند مشکلات زیادی را رفع نماید.

نکته دیگری که در این باره باید تذکر دهیم این است که چنانچه برای فرزندان اتباع خارجی در قبل از ۱۸ سالگی و پس از ثبت ولادت گواهی ولادت مخصوص اتباع خارجی صادر شود این گواهی تا چه زمانی معتبر است؟ آیا بعد از ۱۸ سالگی نیز این گواهی نشان و معرف هویت و تابعیت فرد است و یا نیاز به اقدام دیگری می باشد؟

برطبق مفاد کتاب تابعیت از قانون مدنی ایرانی طفلی که در زمان طفولیت والدین خارجی برای وی اقدام به اخذ گواهی نموده اند چنانچه شروط:

- تولد در ایران

- خارجی بودن پدر

- یکسال اقامت در ایران بلافاصله پس از رسیدن به هجده سالگی

درخصوص او محقق شود دیگر از عداد اتباع خارجی بیرون خواهد شد و به عنوان تبعه ایران شناخته می شود. در این مرحله آنچه مهم است مکانیسم و روش تبدیل تابعیت خارجی به تابعیت ایرانی در خصوص اینگونه افراد است روشی که بموجب ماده ۷۳ آئین نامه قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۱۹ که در حال حاضر نیز بقوت خود باقی است بیان شده است و آن عبارت است از اینکه: (( هرگاه صاحبان گواهینامه ولادت طبق تشخیص مقامات صلاحیتدار از تبعه ایرانی معرفی شدند در این صورت گواهینامه از آنان اخذ و در حاشیه دفتر ولادت مراتب قید و طبق مندرجات دفتر موالید و گواهینامه اسناد تنظیم و شناسنامه صادر می شود. ))



از رسیدن به سن ۱۸ سال و تحقق شروط مورد نظر قانونگذار مکانیسم تغییر همان است که اشاره شد. یعنی سند ولادت مخصوص اتباع ایران برای وی تنظیم گردیده و شناسنامه صادر می شود و در ازاء شناسنامه مذکور گواهی ولادتی که سابقاً برای او صادر شده بود از او گرفته می شود.

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

فصل سوم

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

روش تحقیق

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

## روش تحقیق :

با توجه به نوع و ساختار تحقیق حاضر که در پی شناخت پیامدهای تابعیتی و سجلی ناشی از پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه در سطح استان خراسان رضوی می باشد ، علاوه بر بررسی های نظری و کتابخانه ای انجام کار میدانی ضروری به نظر می رسد تا بدین وسیله چشم اندازی روشن از وضعیت این افراد بدست آید.

### - جامعه آماری و واحد تحقیق :

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق به دو دسته عمده تقسیم میگردد : الف) زنان ازدواج کرده با اتباع بیگانه ب) زنان ازدواج کرده با اتباع ایران .

### - تعیین حجم نمونه :

با استفاده از فرمول برآورد  $n$  ، تعداد نمونه مورد نیاز برای پرسش به شیوه ذیل انتخاب شده است ( سرایی، حسن . ۱۳۷۲، ص ۵ ) .

اجزاء و برآوردهای فرمول :

۱- ضریب اطمینان مورد نظر (t) : ۱/۹۶

۲- حجم کل جامعه آماری (N) : ۸۲۵۰۰۰

۳- پیش برآورد واریانس جامعه تحت بررسی ( $s^2$ ) : ۱/۳۷

۴- دقت احتمالی مطلوب (d) :

به منظور بررسی  $d$  ، با در نظر گرفتن پیش برآورد حجم نمونه ( $n$ ) به مقدار ۳۲۰ ، اجزاء رابطه را کنار هم می

گذاریم و پس از محاسبه حجم برآورد شده نمونه را با استفاده از فرمول  $n$  محاسبه می کنیم .

$$\left[ \frac{1/37}{320} \left( 1 - \frac{320}{825000} \right) \right]^{\frac{1}{2}} = 0/1282 = 1/96 \quad \left[ \frac{S^2}{n} \left( 1 - \frac{n}{N} \right) \right]^{\frac{1}{2}} d = t$$

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{825000 \times 3/8416 \times 1/37}{(825000 \times 0/0164405) + (3/8416 \times 1/37)} = 319/99 \cong 320$$

شده و بدین ترتیب ۱۶ نمونه به تعداد حجم نمونه اضافه گردید تا افت احتمالی را جبران نماید.

#### - روش نمونه گیری:

به منظور انتخاب نمونه ها و با توجه به دو قسم بودن جامعه آماری، گزینش نمونه در دو مرحله انجام گردید: مرحله اول: با عنایت به اهمیت بررسی گروه زنان ازدواج کرده با اتباع خارجه، ۵۰٪ کل نمونه به این گروه تخصیص داده شد.

آمار زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع خارجه ساکن در استان خراسان رضوی که حدود ۸۵۰۰ نفر می باشد در بانک اطلاعاتی اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری خراسان رضوی موجود می باشد. این آمار بصورت رکورد نگهداری می شود.

با استفاده از جدول اعداد تصادفی تعداد ۱۶۸ عدد انتخاب و اعداد مزبور از رکوردهای بانک اطلاعاتی مزبور استخراج گردیده و نام و آدرس آنها بعنوان نمونه جهت تکمیل پرسشنامه تحویل پرسشگران شد.

مرحله دوم: انتخاب نمونه های زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع ایران

با توجه به لزوم قرابت و نزدیکی موقعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیت شناختی و در یک کلام، پایگاه اجتماعی زنان نمونه از هر دو گروه، نمونه های انتخاب شده از گروه دوم نیز باید به ترتیبی برگزیده شوند که بیشترین تشابه موقعیت را با گروه اول داشته باشند. لذا بدین منظور به پرسشگران آموزش داده شد که پس از مراجعه به آدرس های داده شده به آنها (نمونه گروه اول) و تکمیل پرسشنامه از زن ایرانی ازدواج کرده با تبعه بیگانه، با حرکت به سمت راست منزل مزبور؛ سومین منزل را انتخاب و با زن ازدواج کرده با تبعه ایران در آن مکان مصاحبه نموده و به همینصورت عملیات جستجو به مکان بعدی ادامه می یابد و ...).

#### - ابزار جمع آوری اطلاعات:

با توجه به اینکه روش تحقیق از نوع اسنادی و پیمایشی است لذا علاوه بر بررسی اسناد و مدارک موجود در ارتباط با مسأله تابعیت زنان ایرانی که با اتباع بیگانه ازدواج کرده اند و فرزندانشان و پیامدهای حاصل از اینگونه ازدواجها به منظور بررسی تأثیر ازدواج بر پیامدهای تابعیتی و سجلی از تکنیک پرسشنامه جهت گردآوری اطلاعات و داده ها استفاده شده است.

۱- بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، و احتمال افزایش افراد فاقد هویت و اسناد سجلی رابطه وجود دارد.

۲- بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، و احتمال افزایش جرائم سجلی رابطه وجود دارد.

۳- بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، و احتمال افزایش ناهنجاریهای اجتماعی(جرم و بزهکاری) رابطه وجود دارد.

۴- بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، و احتمال افزایش تعارضات روحی روانی زنان و کودکان رابطه وجود دارد.

۵- بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، و سطح سواد فرزندان آنان رابطه وجود دارد.

۶- بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، و موقعیت و پیشرفت شغلی فرزندان آنان رابطه وجود دارد.

#### - مدل تحلیل:

با توجه به فرضیات مورد نظر در تحقیق حاضر و متغیرهای تحت بررسی و بمنظور شفاف سازی روش تحقیق مدل تحلیل را بر مبنای دو پیش فرض، رابطه سطح ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و پیامدهای تابعیتی و سجلی حاصل از آن و نیز علل و عوامل موثر بر بروز این پدیده به شرح الگوهای ذیل ترسیم نموده ایم.

مدل تحلیل: پیامدهای ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه



[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

# فصل چهارم

## پانته های تحقیق

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

به جهت توصیف بهتر از جداول توزیع فراوانی (مطلق و نسبی) و نمودارهای آماری استفاده شده است.

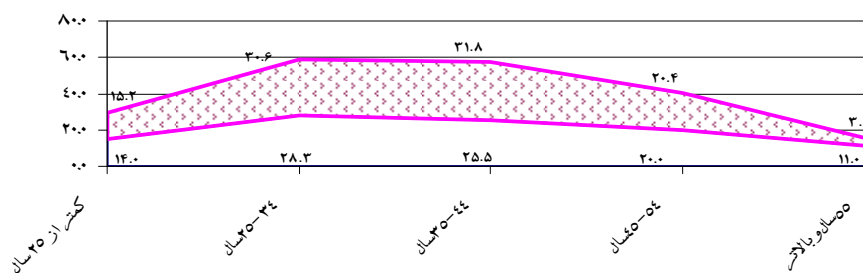
### الف) ویژگیهای فردی پاسخگویان :

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		سن
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۱۴.۰	۲۲	۱۵.۲	۲۲	۱۴.۶	۴۴	کمتر از ۲۵ سال
۳۰.۶	۴۸	۲۸.۳	۴۱	۲۹.۵	۸۹	۲۵-۳۴ سال
۳۱.۸	۵۰	۲۵.۵	۳۷	۲۸.۸	۸۷	۳۵-۴۴ سال
۲۰.۴	۳۲	۲۰.۰	۲۹	۲۰.۲	۶۱	۴۵-۵۴ سال
۳.۲	۵	۱۱.۰	۱۶	۷.۰	۲۱	۵۵ سال و بالاتر
۱۰۰.۰	۱۵۷	۱۰۰.۰	۱۴۵	۱۰۰.۰	۳۰۲	جمع کل

نتایج و یافته های جدول شماره ۱ حاکی از این است که بیش از نیمی از پاسخگویان در سنین زیر ۴۴ سال یعنی سنین باروری قرار داشته اند و درصد گروه سنی آخر یعنی ۵۵ سال و بالاتر نسبت به سایر گروههای سنی پایین تر است. توزیع سنی زنان ازدواج کرده با مردان ایرانی و سایرین دارای اختلافاتی می باشد که از جمله در گروه سنی که دارای بیشترین فراوانی است و نیز در گروه سنی ۵۵ سال و بالاتر نمایان است. بهر حال نتایج نشان دهنده همگونی نزدیک دو گروه نمونه انتخابی در تحقیق می باشد.

نمودار شماره ۱: توزیع درصد پاسخگویان بر حسب سن



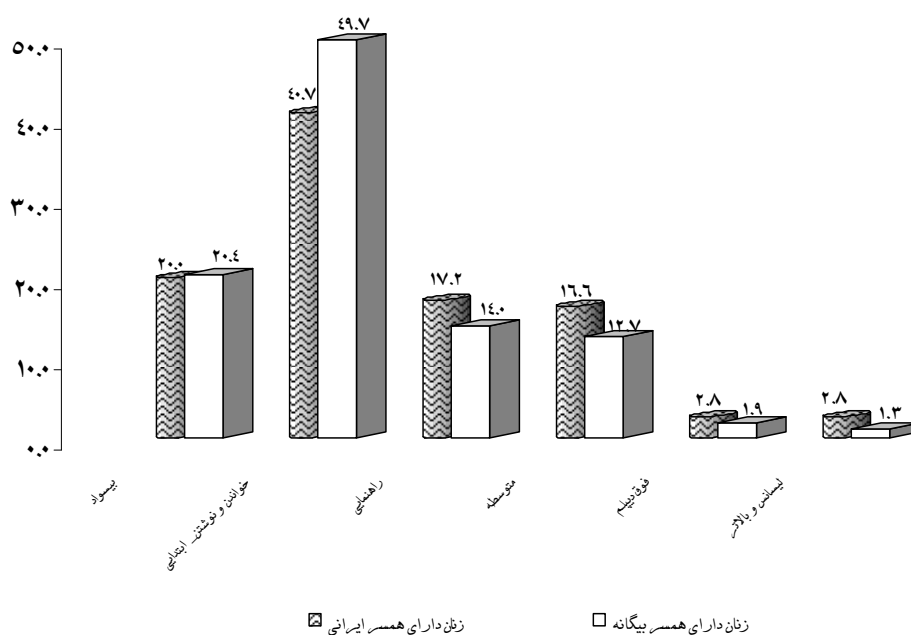
زنان دارای همسر ایرانی

زنان دارای همسر بیگانه

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		تحصیلات
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۲۰.۴	۳۲	۲۰.۰	۲۹	۲۰.۲	۶۱	بیسواد
۴۹.۷	۷۸	۴۰.۷	۵۹	۴۵.۴	۱۳۷	خواندن و نوشتن ابتدایی
۱۴.۰	۲۲	۱۷.۲	۲۵	۱۵.۶	۴۷	راهنمایی
۱۲.۷	۲۰	۱۶.۶	۲۴	۱۴.۶	۴۴	متوسطه
۱.۹	۳	۲.۸	۴	۲.۳	۷	فوق دیپلم
۱.۳	۲	۲.۸	۴	۲.۰	۶	لیسانس و بالاتر
۱۰۰.۰	۱۵۷	۱۰۰.۰	۱۴۵	۱۰۰.۰	۳۰۲	جمع کل

از مجموع پاسخگویان مزبور ۷۰/۱ درصد بی سواد یا دارای سواد ابتدایی بوده در حالی که این شاخص در میان گروه دوم برابر با ۶۰/۷٪ می باشد. تعداد و درصد دارندگان تحصیلات عالی نیز در میان زنان مزدوج با مردان ایرانی بیشتر از مزدوجین با مردان خارجی است.

نمودار شماره ۲: توزیع درصد پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات





پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		شغل
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۸۶.۰	۱۳۵	۹۰.۳	۱۳۱	۸۸.۱	۲۶۶	خانه دار
۵.۱	۸	۰.۷	۱	۳.۰	۹	کارگر
۰.۰	۰	۰.۰	۰	۰.۰	۰	کشورز
۰.۰	۰	۰.۰	۰	۰.۰	۰	دامدار
۰.۶	۱	۱.۴	۲	۱.۰	۳	صنایع دستی و قالیبافی
۱.۳	۲	۱.۴	۲	۱.۳	۴	کارمند
۲.۵	۴	۰.۰	۰	۱.۳	۴	مشاغل خدماتی
۱.۳	۲	۰.۷	۱	۱.۰	۳	مشاغل فروشندگی
۰.۰	۰	۰.۰	۰	۰.۰	۰	طلبه علوم دینی
۰.۰	۰	۲.۸	۴	۱.۳	۴	محصل و دانشجو
۰.۰	۰	۰.۰	۰	۰.۰	۰	معلول و از کارافتاده
۳.۲	۵	۱.۴	۲	۲.۳	۷	سایر
۰.۰	۰	۱.۴	۲	۰.۷	۲	بی جواب
۱۰۰.۰	۱۵۷	۱۰۰.۰	۱۴۵	۱۰۰.۰	۳۰۲	جمع

طبق یافته های جدول شماره ۳ از نظر نوع شغل ۹۰ درصد زنان دارای همسر ایرانی خانه دار و ۱۰ درصد فقط شاغل بوده اند که از این ۱۰ درصد (۲/۸ درصد) نیز محصل و دانشجو بوده اند درحالیکه در بین زنان دارای همسر خارجی ۸۶ درصد خانه دار و ۱۴ درصد شاغل بوده اند که عمدتاً در مشاغل کارگری و خدماتی اشتغال داشته اند .

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		محل سکونت قبل از ازدواج
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۶۴.۳	۱۰۱	۶۸.۳	۹۹	۶۶.۲	۲۰۰	شهر
۳۵.۷	۵۶	۳۱.۷	۴۶	۳۳.۸	۱۰۲	روستا
۱۰۰.۰	۱۵۷	۱۰۰.۰	۱۴۵	۱۰۰.۰	۳۰۲	جمع

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب محل سکونت بعد از ازدواج

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		محل سکونت بعد از ازدواج
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۹۴.۹	۱۴۹	۹۵.۲	۱۳۸	۹۵.۰	۲۸۷	شهر
۵.۱	۸	۴.۸	۷	۵.۰	۱۵	روستا
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰.۰	۱۴۵	۱۰۰.۰	۳۰۲	جمع

همانطور که در جداول شماره ۴ و ۵ ملاحظه می گردد از مجموع ۳۰۲ نمونه مورد سوال قرار گرفته، تعداد ۲۰۰ نفر یعنی ۶۶/۲٪ قبل از ازدواج در نقاط شهری ساکن بوده اند در حالی که این شاخص بعد از ازدواج به ۲۸۷ نفر یعنی ۹۵٪ افزایش یافته است. این وضعیت در میان هر دو گروه زنان بخصوص مزدوجین با خارجیان دیده می شود. بروز رویکرد « همسر گزینی برون شهری از روستاها در میان طیف متوسط به پایین جامعه » و نیز رویکرد « مهاجرت بعد از ازدواج در میان روستائیان » از عوامل عمده این وضعیت می باشند.

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		تعداد ازدواج ها تاکنون
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۸۶.۰	۱۳۵	۹۳.۱	۱۳۵	۸۹.۴	۲۷۰	یکبار
۱۲.۷	۲۰	۶.۹	۱۰	۹.۹	۳۰	دوبار
۱.۳	۲	۰	۰	۰.۷	۲	سه بار
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۰۲	جمع

نتایج و یافته های جدول شماره ۶ نشان دهنده بالاتر بودن احتمال تکرار ازدواج در میان زنان مزدوج با خارجیان نسبت به سایرین می باشد. همانطور که ملاحظه می گردد؛ در بین پاسخگویان دارای همسر ایرانی ۹۳/۱ درصد یکبار و ۶/۹ درصد دو بار ازدواج داشته اند در حالیکه در بین پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی ۸۶ درصد یکبار، ۱۲/۷ درصد دو بار و ۱/۳ درصد سه بار ازدواج کرده اند.

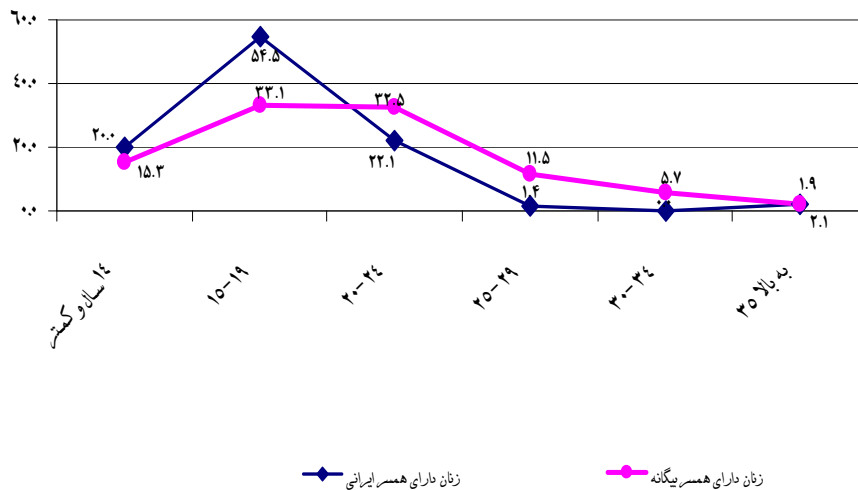
در مجموع تعداد ۲۲ نفر از پاسخگویان ازدواج کرده با خارجیان، یعنی ۱۴٪ بیش از یکبار ازدواج کرده اند که این شاخص در مقایسه با زنان مزدوج با ایرانیان یعنی ۶/۹ درصد، رقم بالایی را نشان داده و تأیید کننده فرضیه رویکرد شیوع ازدواج مجدد در میان زنان مزبور می باشد.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن ازدواج

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		سن در هنگام اولین ازدواج
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۱۵.۳	۲۴	۲۰	۲۹	۱۷.۵	۵۳	۱۴ سال و کمتر
۳۳.۱	۵۲	۵۴.۵	۷۹	۴۳.۴	۱۳۱	۱۵-۱۹
۳۲.۵	۵۱	۲۲.۱	۳۲	۲۷.۵	۸۳	۲۰-۲۴
۱۱.۵	۱۸	۱.۴	۲	۶.۶	۲۰	۲۵-۲۹
۵.۷	۹	۰	۰	۳	۹	۳۰-۳۴
۱.۹	۳	۳.۱	۳	۲	۶	۳۵ به بالا
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۰۲	جمع

مورد بررسی اتفاق افتاده است و در مجموع ۷۰/۹ درصد زنان پاسخگو بین سن ۱۵ تا ۲۴ سال ازدواج نموده اند. این وضعیت در هر دو گروه زنان مزدوج با ایرانیان و خارجیان تقریباً مشابه بوده با این تفاوت که تأخیر سن ازدواج در گروه زنان ازدواج کرده با خارجیان بیشتر می باشد. بطوریکه ۱۹/۱ درصد این زنان در سنین بالاتر از ۲۵ سال تن به ازدواج داده در حالیکه از زنان مزدوج با ایرانیان فقط ۳/۵ درصد این زنان در سنین بالاتر از ۲۵ سال تن به ازدواج داده در حالیکه از زنان مزدوج با ایرانیان فقط ۳/۵ درصد در سنین بالاتر از ۲۵ سال ازدواج نموده اند. بالاتر رفتن ریسک بی همسری در اثر افزایش سن از دلایل مهم پاسخ مثبت این زنان به پیشنهاد ازدواج خارجیان می باشد. البته احتمال بالاتر ازدواج مجدد در میان زنان مزبور نیز می تواند از دلایل بالا بودن سن ازدواج باشد.

نمودار شماره ۳: توزیع درصد پاسخگویان بر حسب سن ازدواج



جدول شماره ۸ : توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن همسر در هنگام ازدواج

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		سن همسر در هنگام ازدواج
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۱۲.۷	۲۰	۱۵.۹	۲۳	۱۴.۲	۴۳	کمتر از ۱۹ سال
۳۴.۴	۵۴	۵۲.۴	۷۶	۴۳	۱۳۰	۲۰-۲۴
۲۴.۲	۳۸	۱۷.۲	۲۵	۲۰.۹	۶۳	۲۵-۲۹
۱۲.۷	۲۰	۵.۵	۸	۹.۳	۲۸	۳۰-۳۴
۷.۶	۱۲	۲.۱	۳	۵	۱۵	۳۵-۳۹
۸.۳	۱۳	۶.۹	۱۰	۷.۶	۲۳	۴۰ و بالاتر
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۰۲	جمع

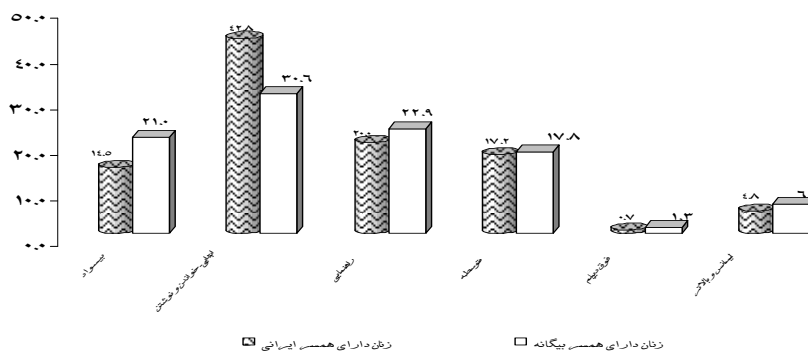
همانطور که در جدول شماره ۸ ملاحظه می گردد از نظرگاه سن همسر پاسخگویان، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۴ سال و سپس ۲۵-۲۹ می باشد. به عبارتی دیگر بیش از نیمی از پاسخگویان همسرانشان در سنین ۲۰ الی ۲۹ سال ازدواج کرده اند. این روند در بین هر دو گروه زنان مزدوج با خارجیان و با ایرانیان تقریباً مشابه بوده با این تفاوت که سن ازدواج همسران خارجی پاسخگویان بالاتر بوده بنحوی که ۲۸/۸ درصد آنان بالاتر از ۳۰ سال تن به ازدواج داده اند در حالیکه این نسبت در همسران ایرانی حدود ۱۴/۵٪ بوده است. تفاوت درصد گروه سنی کمتر از ۱۹ سال نیز مؤید این نکته می باشد.

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		سطح تحصیلات همسر
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۲۱	۳۳	۱۴.۵	۲۱	۱۷.۹	۵۴	بیسواد
۳۰.۶	۴۸	۴۲.۸	۶۲	۳۶.۴	۱۱۰	ابتدایی - خواندن و نوشتن
۲۲.۹	۳۶	۲۰	۲۹	۲۱.۵	۶۵	راهنمایی
۱۷.۸	۲۸	۱۷.۲	۲۵	۱۷.۵	۵۳	متوسطه
۱.۳	۲	۰.۷	۱	۱	۳	فوق دیپلم
۶.۴	۱۰	۴.۸	۷	۵.۶	۱۷	لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۰۲	جمع

با عنایت به نتایج جدول شماره ۹ از نظر سطح تحصیلات همسر پاسخگویان این نتیجه حاصل می شود که در سطوح ابتدایی همسران ایرانی از درصد بالایی برخوردار بوده در حالی که در سطوح راهنمایی، متوسطه، فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر تا حدودی همسران خارجی درصد بالاتری نسبت به همسران ایرانی داشته البته شایان ذکر است که این تفاوت درصدی چندان محسوس نمی باشد.

افزایش احتمال تمایل زنان به ازدواج با مردان خارجی که دارای سطح تحصیلات بالاتری می باشند یکی از دلایل بالاتر بودن درصد همسران با تحصیلات بالا در میان خارجیان نسبت به ایرانیان می تواند باشد. ضمن اینکه روش انتخاب نمونه از دو گروه که سعی شده است زنان ایرانی ازدواج کرده با ایرانیان را از مناطق سکونت نمونه های گروه ازدواج کرده با خارجیان انتخاب نماید، میتواند مؤثر در نتایج جدول بالا باشد. چرا که این موضوع باعث شده است نمونه های ایرانی برگزیده شده، که در مناطق مزبور ساکن می باشند اکثراً از طیف با تحصیلات پایین باشند.

نمودار شماره ۴: توزیع درصد پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات همسر



پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		شغل همسر
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۱.۹	۳	۵.۵	۸	۳.۶	۱۱	بیکار
۳۵.۷	۵۶	۲۷.۲	۵۴	۳۶.۴	۱۱۰	کارگر
۱.۹	۳	۷.۶	۱۱	۴.۶	۱۴	کشاورز
۰	۰	۱.۶	۲	۰.۷	۲	دامدار
۳.۲	۵	۳.۴	۵	۳.۳	۱۰	صنایع دستی و قالیبافی
۱۸.۵	۲۹	۱۰.۳	۱۵	۱۴.۶	۴۴	کارمند
۵.۷	۹	۱۱	۱۶	۸.۳	۲۵	مشاغل خدماتی
۷	۱۱	۸.۳	۱۲	۷.۶	۲۳	مشاغل فروشندگی
۲.۵	۴	۰	۰	۱.۳	۴	طلبه علوم دینی
۳.۲	۵	۰.۷	۱	۲	۶	محصل و دانشجو
۰.۶	۱	۰.۷	۱	۰.۷	۲	معلول و از کار افتاده
۱۹.۷	۳۱	۱۳.۱	۱۹	۱۶.۶	۵۰	سایر
۰	۰	۰.۷	۱	۰.۳	۱	بی جواب
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۰۲	جمع

همانطور که در جدول شماره ۱۰ مشاهده می شود درصد بیکاری همسران ایرانی بیشتر از همسران خارجی است که این امر متأثر از این واقعیت است که مردان خارجی برای گذران زندگی به هر نوع شغل با دستمزد پایین تن میدهند که این مسأله منجر به پایین آمدن دستمزدها و به دنبال آن رقابت فشرده در بازار کار می شود .

در هر دو گروه درصد شغل کارگری بیش از سایر مشاغل دیگر بوده و تعداد همسران ایرانی که در مشاغل کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و قالیبافی و مشاغل خدماتی اشتغال دارند بیش از گروه دیگر است در حالیکه در مردان خارجی مشاغل کارمندی، طلبه گی و محصلی بیشتر می باشد . لازم به ذکر است که تعداد شاغلین کارمند اتباع خارجه ، همگی اتباع عراق می باشند که بنا بر اظهار همسران آنها، شاغل در سپاه بدر بوده و آنها را کارمند معرفی نموده اند.



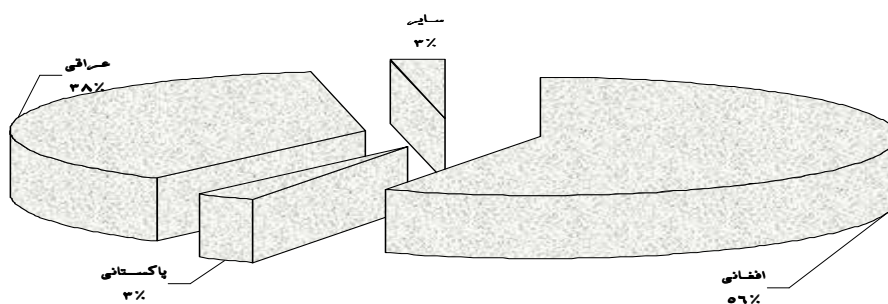
پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		میزان در آمد همسر
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۲۰.۴	۳۲	۱۱	۱۶	۱۵.۹	۴۸	بسیار کم
۳۱.۸	۵۰	۳۴.۵	۵۰	۳۳.۱	۱۰۰	کم
۳۰.۶	۴۸	۴۱.۴	۶۰	۳۵.۸	۱۰۸	متوسط
۱۷.۲	۲۷	۱۱.۷	۱۷	۱۴.۶	۴۴	خوب
۰	۰	۰.۷	۱	۰.۳	۱	بسیار خوب
۰	۰	۰.۷	۱	۰.۳	۱	بی جواب
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۰۲	جمع

با استناد به نتایج جدول شماره ۱۱، از نظر میزان در آمد همسران پاسخگویان در هنگام ازدواج درصد حد متوسط بیشتر از حدود دیگر بوده است . و بیش از دو سوم پاسخگویان برای همسرانشان در هنگام ازدواج در آمد کم و متوسط را اظهار نموده اند . درصد گروه در آمد بسیار کم هم در میان زنان ازدواج کرده با خارجیان نزدیک دو برابر زنان ازدواج کرده با ایرانیان می باشد و همچنین ۷۵/۹٪ زنان دارای همسر ایرانی اظهار نموده اند که همسرانشان در هنگام ازدواج دارای درآمد کم و متوسط بوده اند در حالی که این درصد در میان زنان دارای همسر غیر ایرانی ۶۲/۴٪ می باشد .

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		تابعیت همسر
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۰	۰	۱۰۰	۱۴۵	۴۸	۱۴۵	ایرانی
۵۷.۳	۹۰	۰	۰	۲۹.۸	۹۰	افغانی
۲.۵	۴	۰	۰	۱.۳	۴	پاکستانی
۳۷.۶	۵۹	۰	۰	۱۹.۵	۵۹	عراقی
۲.۵	۴	۰	۰	۱.۳	۴	سایر
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۰۲	جمع

با عنایت به این مسأله که بیشتر مهاجرین و پناهندگان در ایران را مهاجرین افغانی و سپس عراقی تشکیل میدهند که بر اثر مشکلات و فشارهای داخلی کشورشان به ایران پناهنده شده اند نتایج جدول شماره ۱۲ نیز نشانگر این وضعیت بوده به طوریکه بیش از نیمی از مردان خارجی تابعیت افغانی داشته اند و تعداد و درصد مهاجرین عراقی در رده دوم قرار داشته و درصد اندکی از آنان را مهاجرین سایر کشورها تشکیل می دهند. با توجه به قرب مکانی کشور افغانستان با استان خراسان و درصد بالای مهاجرین حاضر در این استان که مربوط به سالیان دور می شود، بالاتر بودن درصد این افراد در نمونه مورد بررسی توجیه پذیر است ولی درصد بالای مهاجرین عراقی در میان همسران پاسخگویان تا حدودی نگران کننده بوده و بنظر می رسد چنانچه توجه خاصی از سوی برنامه ریزان و سیاستگذاران کشوری و استانی انجام نپذیرد روز به روز بر تعداد و درصد زنان ازدواج کرده با اتباع عراقی افزوده گردیده و به تدریج به یک مسئله و مشکل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تبدیل گردد.

نمودار شماره ۵: توزیع درصد پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی بر حسب تابعیت همسر



پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		مذهب همسر
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۸۰.۹	۱۲۷	۹۲.۴	۱۳۴	۸۶.۴	۲۶۱	مسلمان شیعه
۱۹.۱	۳۰	۷.۶	۱۱	۱۳.۶	۴۱	مسلمان اهل سنت
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۰۲	جمع

با توجه به گرایش اساسی ازدواج با هم مذهب، همانطور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می گردد، یافته های جدول شماره ۱۳ نیز نشانگر درصد بالای همگرایی دو گره در تطبیق مذهبی زن و شوهر می باشد حتی در مزدوجین با مردان خارجی. بهر حال در میان مردان خارجی مسلمانان اهل سنت از درصد بیشتری نسبت به مردان ایرانی برخوردار است.

جدول شماره ۱۴ : توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد فرزندان

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		تعداد فرزندان
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۱۵.۹	۲۵	۱۲.۴	۱۸	۱۴.۲	۴۳	فرزند ندارد
۱۶.۶	۲۶	۱۰.۳	۱۵	۱۳.۶	۴۱	۱ فرزند
۲۲.۹	۳۶	۲۳.۴	۳۴	۲۳.۲	۷۰	۲ فرزند
۱۹.۷	۳۱	۱۴.۵	۲۱	۱۷.۲	۵۲	۳ فرزند
۲۴.۸	۳۹	۳۹.۳	۵۷	۳۱.۸	۹۶	۴ تا و بیشتر
۱۰۰	۱۵۷	۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۰۲	جمع

همان طور که در جدول شماره ۱۴ مشاهده می شود درصد پاسخگویان دارای همسر ایرانی که فرزند نداشته و یا یک فرزند داشته بیشتر از پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی است و به طور کل فرزندان زنان دارای همسر ایرانی بیشتر از زنان دارای همسر خارجی است که البته این تا حد زیادی متأثر از ساختار سنی جامعه مورد بررسی است که زنان دارای همسر ایرانی نسبت به گروه دیگر دارای ساختی سالخورده تر می باشند . بهر حال آمارهای مزبور نشان از یکنواختی و همگونی نمونه مورد بررسی دارد .

جدول شماره ۱۵ : توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت فرزندان

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		جنس
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۵۰.۶	۲۰۳	۴۷.۷	۲۲۸	۴۹	۴۳۱	پسر
۴۹.۴	۱۹۸	۵۲.۳	۲۵۰	۵۱	۴۴۸	دختر
۱۰۰	۴۰۱	۱۰۰	۴۷۸	۱۰۰	۸۷۹	جمع
۱۰۳		۹۱		۹۶		نسبت جنسی

از نظر جنسیت فرزندان نتایج جدول شماره ۱۵ نشان می دهد که نسبت جنسی فرزندان پاسخگویان دارای همسر ایرانی ۹۱ است یعنی از هر ۱۰۰ تا دختر ۹۱ پسر بوده اند در حالیکه در بین پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی ۱۰۳ می باشد یعنی به ازای هر ۱۰۰ دختر، ۱۰۳ پسر وجود داشته است .

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		تحصیلات
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۱۰.۵	۴۲	۳.۱	۱۵	۶.۵	۵۷	بیسواد
۳۴.۴	۱۳۸	۲۶.۸	۱۲۸	۳۰.۳	۲۶۶	ابتدایی - خواندن و نوشتن
۱۸.۷	۷۵	۲۲.۸	۱۰۹	۲۰.۹	۱۸۴	راهنمایی
۱۳	۵۲	۲۵.۹	۱۲۴	۲۰	۱۷۶	متوسطه
۲	۸	۳.۶	۱۷	۲.۸	۲۵	فوق دیپلم
۰.۷	۳	۵.۶	۲۷	۳.۴	۳۰	لیسانس و بالاتر
۲۰.۷	۸۳	۱۲.۱	۵۸	۱۶	۱۴۱	بی جواب
۱۰۰	۴۰۱	۱۰۰	۴۷۸	۱۰۰	۸۷۹	جمع

یافته های جدول شماره ۱۶ حاکی از اینست که درصد باسوادی و تحصیلات در میان فرزندان زنان دارای همسر ایرانی بالاتر از فرزندان زنان دارای همسر غیر ایرانی می باشد. تعداد و درصد افراد بی سواد و دارای سواد خواندن و نوشتن در میان فرزندان همسران خارجی ۴۴/۹ درصد است در حالی که این درصد در فرزندان همسران ایرانی به ۲۹/۹ درصد می رسد. درصد دارندگان تحصیلات عالی در میان فرزندان زنان دارای همسر ایرانی نیز حدود ۴ برابر سایرین می باشد. این نتایج نشان دهنده این نکته است که فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی به علت شرایط خاص هویتی و تابعیتی و نیز مسائل اقتصادی و فرهنگی قادر به تحصیل و مخصوصاً تا سطوح عالی نمی باشند.

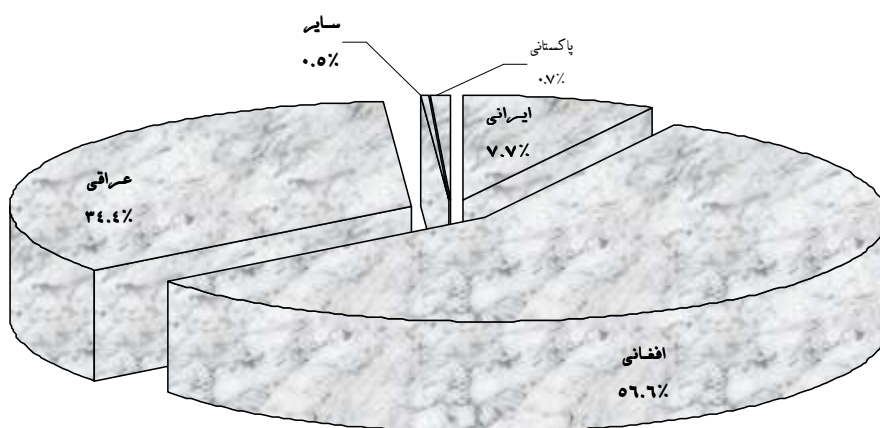
پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		شغل
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۳۰.۴	۱۲۲	۱۸.۲	۸۸	۲۳.۹	۲۱۰	خانه دار - بیکار
۱۴.۷	۵۹	۶.۷	۳۲	۱۰.۴	۹۱	کارگر
۰.۵	۲	۰.۳	۱	۰.۳	۳	صنایع دستی و قالیبافی
۰.۵	۲	۲.۶	۲۱	۲.۶	۲۳	کارمند
۲.۲	۹	۳.۱	۱۸	۳.۱	۲۷	مشاغل خدماتی
۰.۲	۱	۱.۱	۹	۱.۱	۱۰	مشاغل فروشندگی
۲۸.۲	۱۱۳	۴۶.۹	۲۲۴	۳۸.۳	۳۳۷	محصل و دانشجو
۲.۲	۹	۴.۲	۲۸	۴.۲	۳۷	سایر
۲۰.۹	۸۴	۱۶	۵۷	۱۶	۱۴۱	بی جواب
۱۰۰.۰	۴۰۱	۱۰۰.۰	۴۷۸	۱۰۰.۰	۷۹	جمع

در ارتباط با وضعیت اشتغال فرزندان یافته های جدول شماره ۱۷ نشان می دهد که بیشترین درصد مربوط به گروه محصل و دانشجو ، بیکاری و سپس کارگری است که این در هر دو گروه صدق می کند البته با این تفاوت که درصد گروه محصل و دانشجو در بین زنان دارای همسر ایرانی بیشتر است درحالیکه درصد بیکاری و اشتغال به کارگری در بین فرزندان زنان دارای همسر خارجی بیشتر است که این امر تا حد زیادی ناشی از پیامدهای اینگونه ازدواجهاست.

پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		تابعیت
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۷.۷	۳۱	۱۰۰	۴۷۸	۵۷.۹	۵۰۹	ایرانی
۵۶.۶	۲۲۷	۰	۰	۲۵.۸	۲۲۷	افغانی
۳۴.۴	۱۳۸	۰	۰	۱۵.۷	۱۳۸	عراقی
۰.۵	۲	۰	۰	۰.۲	۲	سایر
۰.۷	۳	۰	۰	۰.۳	۳	پاکستانی
۱۰۰	۴۰۱	۱۰۰	۱۷۸	۱۰۰	۸۷۹	جمع

با توجه به یافته های جدول شماره ۱۸ در خصوص تابعیت فرزندان بیش از نیمی از فرزندان زنان، دارای همسر خارجی افغانی و سپس عراقی هستند نکته قابل توجه در این جدول این است که ۷/۷ درصد از فرزندان این زنان توانسته اند تابعیت ایران را کسب نمایند و بقیه فرزندان هنوز تابعیت پدرانشان را دارند. البته اعلام دارا بودن تابعیت ایران ممکن است ناشی از این تلقی باشد که چون دارای شناسنامه ایرانی است پس ایرانی می باشند. در حالی که ممکن است بدست آوردن شناسنامه مزبور بطرق غیر قانونی انجام شده باشد.

نمودار شماره ۱۰: توزیع درصد پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی بر حسب تابعیت فرزندان





پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی		پاسخگویان دارای همسر ایرانی		کل پاسخگویان		گروه های سنی
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	
۱۴	۵۶	۶.۹	۳۳	۱۰.۱	۸۹	۰-۴
۱۹.۲	۷۷	۱۱.۵	۵۵	۱۵	۱۳۲	۵-۹
۲۸.۲	۱۱۳	۱۴.۴	۶۹	۲۰.۷	۱۸۲	۱۰-۱۴
۲۲.۲	۸۹	۱۸	۸۶	۱۹.۹	۱۷۵	۱۵-۱۹
۱۰	۴۰	۱۹.۲	۹۲	۱۵	۱۳۲	۲۰-۲۴
۳.۲	۱۳	۱۴.۶	۷۰	۹.۴	۸۳	۲۵-۲۹
۲.۲	۹	۹	۴۳	۵.۹	۵۲	۳۰-۳۴
۰.۲	۱	۶.۳	۳۰	۳.۵	۳۱	۳۵ سال و بالاتر
۰.۷	۳	۰	۰	۰.۳	۳	بی جواب
۱۰۰	۴۰۱	۱۰۰	۴۷۸	۱۰۰	۸۷۹	جمع

همان طور که در جدول شماره ۱۹ ملاحظه می شود فرزندان زنان دارای همسر غیر ایرانی از ساخت جوانتری نسبت به گروه دوم برخوردار می باشند. به طوریکه در سنین زیر ۱۴ سال درصد فرزندان زنان دارای همسر غیر ایرانی بالاتر است در حالیکه در سنین بالای ۱۴ سالگی درصد فرزندان زنان دارای همسر ایرانی بالاتر می باشد که این امر تا حدی متأثر از ساختار سنی زنان مورد بررسی است. بهر حال بالاترین سهم در میان فرزندان دارای پدر ایرانی مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۴ و سپس ۱۵-۱۹ سال بوده در حالی که در میان فرزندان دارای پدر غیر ایرانی بالاترین سهم به گروه سنی ۱۰-۱۴ سال و سپس ۱۵-۱۹ تعلق دارد.

بی جواب		خیر		بلی		مقوله
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰	۰	۹۲.۴	۱۳۴	۷.۶	۱۱	مراجعه به ثبت احوال برای رفع مشکل شناسنامه ای
۰	۰	۱۰۰	۱۴۵	۰	۰	توقیف شناسنامه توسط ثبت احوال
۱.۴	۲	۹۸.۶	۱۴۳	۰	۰	ایجاد خدشه و خط خوردگی در شناسنامه
۰	۰	۹۷.۲	۱۴۱	۲.۸	۴	تحریف و تغییر متن شناسنامه
۰	۰	۹۷.۹	۱۴۲	۲.۱	۳	کندن و جابجایی عکس شناسنامه
۰	۰	۱۰۰	۱۴۵	۰	۰	استفاده از شناسنامه افراد دیگر
۰	۰	۱۰۰	۱۴۵	۰	۰	استفاده از شناسنامه های متفاوت در مقاطع مختلف
۰	۰	۱۰۰	۱۴۵	۰	۰	سابقه محکومیت کیفری بخاطر سوء استفاده از اسناد هویتی

جدول شماره ۲۱: توزیع فراوانی زنان دارای همسر غیر ایرانی بر حسب مشکلات سجلی و شناسنامه ای آنان بعد از ازدواج

بی جواب		خیر		بلی		مقوله
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰	۰	۷۲	۱۱۳	۲۸	۴۴	مراجعه به ثبت احوال برای رفع مشکل شناسنامه ای
۰	۰	۹۸.۱	۱۵۴	۱.۹	۳	توقیف شناسنامه توسط ثبت احوال
۰	۰	۹۶.۸	۱۵۲	۳.۲	۵	ایجاد خدشه و خط خوردگی در شناسنامه
۰	۰	۹۸.۷	۱۵۵	۱.۳	۲	تحریف و تغییر متن شناسنامه
۰	۰	۹۷.۵	۱۵۳	۲.۵	۴	کندن و جابجایی عکس شناسنامه
۰	۰	۹۹.۴	۱۵۶	۰.۶	۱	استفاده از شناسنامه افراد دیگر
۰	۰	۱۰۰	۱۵۷	۰	۰	استفاده از شناسنامه های متفاوت در مقاطع مختلف
۰.۶	۱	۹۹.۴	۱۵۶	۰	۰	سابقه محکومیت کیفری بخاطر سوء استفاده از اسناد هویتی

همان طور که در جداول ۲۰ و ۲۱ مشاهده می شود مشکلات سجلی و شناسنامه ای بعد از ازدواج در هر دو گروه نسبت به قبل از ازدواج افزایش یافته است و این دو جدول در مقایسه با هم نیز بیانگر بیشتر بودن میزان مشکلات و جرایم سجلی زنان دارای همسر خارجی نسبت به پاسخگویان دارای همسر ایرانی است.

بی جواب		خیر		بلی		مقوله
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰	۰	۸۹.۷	۱۳۰	۱۰.۳	۱۵	مراجعه به ثبت احوال برای رفع مشکل شناسنامه ای
۰	۰	۱۰۰	۱۴۵	۰	۰	توقیف شناسنامه توسط ثبت احوال
۰.۷	۱	۹۸.۶	۱۴۳	۰.۷	۱	ایجاد خدشه و خط خوردگی در شناسنامه
۰	۰	۹۵.۹	۱۳۹	۴.۱	۶	تحریف و تغییر متن شناسنامه
۰	۰	۹۷.۲	۱۴۱	۲.۸	۴	کندن و جابجایی عکس شناسنامه
۰	۰	۱۰۰	۱۴۵	۰	۰	استفاده از شناسنامه افراد دیگر
۰	۰	۱۰۰	۱۴۵	۰	۰	استفاده از شناسنامه های متفاوت در مقاطع مختلف
۰	۰	۱۰۰	۱۴۵	۰	۰	سابقه محکومیت کیفری بخاطر سوء استفاده از اسناد هویتی

جدول شماره ۲۳: توزیع فراوانی زنان دارای همسر غیر ایرانی بر حسب مشکلات سجلی و شناسنامه ای همسر

بی جواب		خیر		بلی		مقوله
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱.۳	۲	۹۳.۶	۱۴۷	۵.۱	۸	مراجعه به ثبت احوال برای رفع مشکل شناسنامه ای
۰.۶	۱	۹۹.۴	۱۵۲	۲.۵	۴	توقیف شناسنامه توسط ثبت احوال
۰.۶	۱	۹۸.۷	۱۵۶	۰	۰	ایجاد خدشه و خط خوردگی در شناسنامه
۰.۶	۱	۹۹.۴	۱۵۵	۰.۶	۱	تحریف و تغییر متن شناسنامه
۰.۶	۱	۹۸.۷	۱۵۶	۰	۰	کندن و جابجایی عکس شناسنامه
۰.۶	۱	۹۸.۷	۱۵۵	۰.۶	۱	استفاده از شناسنامه افراد دیگر
۰.۶	۱	۹۸.۷	۱۵۵	۰.۶	۱	استفاده از شناسنامه های متفاوت در مقاطع مختلف
۰.۶	۱	۹۹.۴	۱۵۶	۰	۰	سابقه محکومیت کیفری بخاطر سوء استفاده از اسناد هویتی

طبق یافته های جداول شماره ۲۲ و ۲۳، جرایم و مشکلات سجلی و شناسنامه ای همسران ایرانی بیشتر از همسران خارجی است. علت این امر نیز این است که همان طور قبلاً ذکر شد همسران خارجی فقط ۴ نفر دارای شناسنامه بوده اند و فقط نیز این ۴ نفر برای رفع مشکل سجلی به ثبت احوال مراجعه داشته اند.

بی جواب		خیر		بلی		مقوله
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷.۶	۱۱	۸۴.۸	۱۲۳	۷.۶	۱۱	مراجعه به ثبت احوال برای رفع مشکل شناسنامه ای
۸.۳	۱۲	۹۱.۷	۱۳۳	۰	۰	توقیف شناسنامه توسط ثبت احوال
۸.۳	۱۲	۹۱	۱۳۲	۰.۷	۱	ایجاد خدشه و خط خوردگی در شناسنامه
۸.۳	۱۲	۸۹.۷	۱۳۰	۲.۱	۳	تحریف و تغییر متن شناسنامه
۸.۳	۱۲	۹۱.۷	۱۳۳	۰	۰	کندن و جایجایی عکس شناسنامه
۸.۳	۱۲	۹۱	۱۳۲	۰.۷	۱	استفاده از شناسنامه افراد دیگر
۸.۳	۱۲	۹۱.۷	۱۳۳	۰	۰	استفاده از شناسنامه های متفاوت در مقاطع مختلف
۸.۳	۱۲	۹۱.۷	۱۳۳	۰	۰	سابقه محکومیت کیفری بخاطر سوء استفاده از اسناد هویتی

جدول شماره ۲۵: توزیع فراوانی زنان دارای همسر غیر ایرانی بر حسب مشکلات سجلی و شناسنامه ای فرزندان

بی جواب		خیر		بلی		مقوله
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۹.۶	۱۵	۷۶.۴	۱۲۰	۱۴	۲۲	مراجعه به ثبت احوال برای رفع مشکل شناسنامه ای
۹.۶	۱۵	۸۹.۲	۱۴۰	۱.۳	۲	توقیف شناسنامه توسط ثبت احوال
۹.۶	۱۵	۹۰.۴	۱۴۲	۰	۰	ایجاد خدشه و خط خوردگی در شناسنامه
۹.۶	۱۵	۹۰.۴	۱۴۲	۰	۰	تحریف و تغییر متن شناسنامه
۱۰.۲	۱۶	۸۹.۸	۱۴۱	۰	۰	کندن و جایجایی عکس شناسنامه
۹.۶	۱۵	۹۰.۴	۱۴۲	۰	۰	استفاده از شناسنامه افراد دیگر
۹.۶	۱۵	۸۹.۸	۱۴۱	۰.۶	۱	استفاده از شناسنامه های متفاوت در مقاطع مختلف
۹.۶	۱۵	۹۰.۴	۱۴۲	۰	۰	سابقه محکومیت کیفری بخاطر سوء استفاده از اسناد هویتی

در خصوص مشکلات سجلی و شناسنامه ای فرزندان نیز یافته های جداول ۲۴ و ۲۵ نشان می دهد که تعداد مراجعات فرزندان دارای همسر خارجی به ثبت احوال برای رفع مشکلات سجلی و شناسنامه ای بیشتر از گروه دیگر بوده است. ولی در خصوص ارتکاب جرم درصد آنان تا حدی کمتر بوده است که این تفاوت چندان محسوس نمی باشد.

با توجه به اینکه در بخش توصیفی ویژگیها و خصایص نمونه بررسی ارائه شده در این قسمت سعی بر آن است

که با تحلیل دو متغیری و چند متغیری به بررسی رابطه میان متغیرها و چگونگی تأثیر گذاری تک به تک و

نیز همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و نهایتاً رد یا اثبات فرضیه های ارائه شده پرداخته شود .

بدین منظور در مرحله اول با رسم جداول دو بعدی و محاسبه آمارهای  $\chi^2$  (کای اسکوئر) و ضرایب توافق

کرامرز و پیرسون به تحلیل تأثیر تک به تک متغیر مستقل بر متغیر وابسته پرداخته و اینکه آیا این متغیرها بر

یکدیگر تأثیر متقابل دارند یا خیر ؟

## ۱- بررسی رابطه بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و احتمال وجود افراد فاقد هویت و اسناد سجلی

جدول شماره ۲۶: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب فرزندان دارای سند سجلی و تابعیت همسر

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله دارای سند سجلی
	غیر ایرانی	ایرانی	
۱۵۳	۱۴	۱۳۹	بلی
۱۴۹	۱۴۳	۶	خیر
۳۰۲	۱۵۷	۱۴۵	کل
$\chi^2 = ۲۲۷/۹$		DF = ۱	Sig = ۰/۰۰۰
Cramer's V = ۰/۸۶۹			Sig = ۰/۰۰۰
Pearson = ۰/۸۶۹			Sig = ۰/۰۰۰

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون کای اسکوئر ملاحظه می گردد که با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت که فرض  $H_1$  مورد قبول واقع شده است یعنی اینکه رابطه متقابل میان رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و احتمال افزایش افراد فاقد هویت و اسناد سجلی برقرار می باشد. به عبارت دیگر فرضیه پژوهشگر مبنی بر اینکه «با افزایش ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، افراد فاقد هویت نیز افزایش می یابد»، تأیید می گردد. یکی از نتایج ازدواج های زنان ایرانی با اتباع خارجی تولد فرزندان می باشد که از نظر هویت و تابعیت به پدر خارجی وابسته بوده و لذا علیرغم سکونت در ایران موفق به اخذ هویت و اسناد سجلی نگردیده و روز بروز بر تعداد افراد فاقد اوراق هویتی افزوده می گردد.

مقدار  $\chi^2$  مشاهده شده برابر ۲۲۷/۹ می باشد که با توجه به درجه آزادی ۱ از  $\chi^2$  جدول در سطح ۰/۰۱ (۶/۶۴) بسیار بالاتر است. لذا با احتمال بسیار بالا می توان ادعا نمود که وجود رابطه میان این دو متغیر برقرار است. ضرایب توافق کرامرز و پیرسون نیز وجود این رابطه را تأیید می کند.

### پاسخگو

جدول شماره ۲۷: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب احتمال ارتکاب جرایم سجلی پاسخگو و تابعیت همسر

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله جرایم سجلی پاسخگو
	غیر ایرانی	ایرانی	
۱۸	۱۲	۶	بلی
۲۸۱	۱۴۴	۱۳۷	خیر
۲۹۹	۱۵۶	۱۴۳	کل
$\chi^2 = ۱/۶۱۲$		DF = ۱	Sig = ۰/۱۵۲
Cramer's V = ۰/۰۷۳			Sig = ۰/۲۰۴
Pearson = ۰/۰۸۲			Sig = ۰/۱۵۹

یکی از فرضیات مورد بررسی در این تحقیق وجود رابطه بین احتمال ارتکاب جرایم سجلی پاسخگو و تابعیت همسر وی است. ولی ضریب کی دو محاسبه شده نشانگر عدم تأیید فرض  $H_1$  و فرضیه مزبور می باشد. یعنی اینکه می توان گفت در نمونه تحت بررسی رابطه قوی و تعیین کننده ای میان دو متغیر وجود ندارد. البته نگاه اولیه به داده های جدول این نتیجه را حاصل می نماید که میزان جرایم سجلی پاسخگویان دارای همسر غیر ایرانی بیشتر از زنانی است که دارای همسر ایرانی هستند. ولی عدد  $\chi^2$  محاسبه شده که برابر با ۱/۶۱۲ بدست آمده در سطح ۰/۲۰ از  $\chi^2$  جدول با درجه آزادی ۱ (یعنی ۱/۶۴) کمتر است. بنابراین نتایج مذکور نمی تواند تأیید کننده عدم رابطه کامل این دو متغیر باشد و چنانچه نمونه بزرگتر و در سطح وسیعتر صورت بگیرد شاید این فرضیه به اثبات نزدیکتر شود.



### همسران آنان

جدول شماره ۲۸: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب ارتکاب جرایم سجلی همسر پاسخگو و تابعیت وی

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله
	غیر ایرانی	ایرانی	
۱۴	۵	۹	جرایم سجلی همسر بلی
۲۸۶	۱۵۱	۱۳۵	خیر
۳۰۰	۱۵۶	۱۴۴	کل
$\chi^2 = ۱/۵۶۰$		DF = ۱	Sig = ۰/۱۶۵
Cramer's V = ۰/۰۷۲			Sig = ۰/۲۱۲
Pearson = ۰/۰۷۲			Sig = ۰/۲۱۳

کای اسکوئر محاسبه شده در جدول فوق برابر با ۱/۵۶ درآمده است که از مقدار  $\chi^2$  جدول در سطح ۰/۲۰ یعنی رقم ۱/۶۴ کمتر می باشد بدین ترتیب فرض H<sub>۰</sub> مبنی بر عدم رابطه میان این دو متغیر اثبات شده و فرضیه پژوهشگر مبنی بر اینکه: «بین ارتکاب جرایم سجلی همسر پاسخگو و تابعیت وی رابطه وجود دارد» رد می گردد.

البته مقدار جرایم سجلی همسران غیر ایرانی کمتر است که این به دلیل شناسنامه نداشتن غیر ایرانی ها است. ولی به هر حال این رابطه چندان قوی نبوده که بوسیله آزمونهای آماری کای اسکوئر، کرامرز و پیرسون تأیید شود.

### فرزندان آنان

جدول شماره ۲۹: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب احتمال ارتکاب جرایم سجلی فرزندان زنان پاسخگو و تابعیت همسر

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله
	غیر ایرانی	ایرانی	
۷	۳	۴	جرایم سجلی فرزندان بلی
۲۶۷	۱۳۸	۱۲۹	خیر
۲۷۴	۱۴۱	۱۳۳	کل
$\chi^2 = ۰/۲۱۳$ DF = ۱			Sig = ۰/۴۶۸
Cramer's V = ۰/۰۲۸			Sig = ۰/۶۴۵
Pearson = ۰/۰۲۸			Sig = ۰/۶۴۶

کای اسکوئر محاسبه شده برای رابطه میان احتمال جرایم سجلی فرزندان و تابعیت همسر نیز حاکی از عدم معنی داری رابطه مذکور می باشد. در اینجا نیز  $\chi^2$  برابر ۰/۲۱۳ بدست آمده است که از  $\chi^2$  جدول با درجه آزادی ۱ (۳/۸۴) پایین تر و کوچکتری باشد. لذا فرض H<sub>۰</sub> تأیید و فرضیه پژوهشگر در مورد رابطه بین این دو متغیر رد می شود.

همان طور که در جدول فوق مشاهده می گردد آزمونهای آماری کرامرز و پیرسون نیز وجود رابطه را رد می کنند. نداشتن تابعیت و هویت ایرانی و در نتیجه عدم در دست داشتن اوراق سجلی را می توان از علل عمده عدم وجود زمینه ارتکاب جرائم سجلی توسط فرزندان مردان خارجی دانست. ضمن اینکه اقرار و اعلام انجام جرم سجلی توسط پاسخگویان به سختی انجام پذیرفته و لذا احتمال عدم پاسخگویی صحیح وجود دارد. علیهذا استخراج آمار جرائم سجلی فرزندان اتباع بیگانه از منبع دیگری شاید بتواند ادعای فوق را اثبات نماید که جای انجام این بررسی در تحقیق حاضر وجود ندارد.

### زنان بعد از ازدواج

جدول شماره ۳۰: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی برحسب ناهنجاریهای اجتماعی زنان بعد از ازدواج و تابعیت همسر

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله
	غیر ایرانی	ایرانی	
۱	۱	۰	ناهنجاریهای اجتماعی بعد از ازدواج بلی
۳۰۱	۱۵۶	۱۴۵	خیر
۳۰۲	۱۵۷	۱۴۵	کل
$\chi^2 = ۰/۹۲۷$ Cramer's V = ۰/۰۵۵ Pearson = ۰/۰۵۵			DF = ۱ Sig = ۰/۵۲۰ Sig = ۰/۳۳۶ Sig = ۰/۳۳۷

کای اسکوئر محاسبه شده از رابطه دو متغیر ناهنجاریهای اجتماعی بعد از ازدواج و تابعیت همسر پاسخگو نیز رد کننده فرض  $H_0$  می باشد چرا که  $\chi^2$  محاسبه شده برابر ۰/۹۲ است که از مقدار  $\chi^2$  جدول معینی ۱/۶۴ پایین تر می باشد.

بدین ترتیب فرض  $H_0$  مبنی بر عدم وجود رابطه تأثیرگذار بین دو متغیر تأیید گردیده و فرضیه تحقیق در مورد اینکه با افزایش ازدواجهای زنان با اتباع بیگانه، میزان ناهنجاریهای اجتماعی شان نیز افزایش می یابد، در جامعه مورد بررسی مورد تأیید قرار نمی گیرد.

### فرزندان آنان

جدول شماره ۳۱: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب ناهنجاریهای اجتماعی فرزندان و تابعیت همسر

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله
	غیر ایرانی	ایرانی	ناهنجاریهای اجتماعی فرزندان
۲۴	۲۳	۱	بلی
۲۷۸	۱۳۴	۱۴۴	خیر
۳۰۲	۱۵۷	۱۴۵	کل
$\chi^2 = ۲۰/۰۸$		DF = ۱	Sig = ۰/۰۰۰
Cramer's V = ۰/۲۵۸			Sig = ۰/۰۰۰
Pearson = ۰/۲۵۸			Sig = ۰/۰۰۰

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون کای اسکوئر ملاحظه می شود که با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت فرض  $H_1$  مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر میزان ناهنجاریهای فرزندان و تابعیت پدر تایید شده است. لذا فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه «میزان ناهنجاریهای اجتماعی فرزندان زنان دارای همسر غیر ایرانی بیشتر از زنان دارای همسر ایرانی است»، تأیید می گردد. مقدار  $\chi^2$  محاسبه شده برابر با ۲۰/۰۸ است که با توجه به درجه آزادی ۱ از  $\chi^2$  جدول در سطح ۰/۰۱ (۶/۶۴) بسیار بالاتر است. لذا با احتمال بسیار بالا می توان ادعا کرد که وجود رابطه میان این دو متغیر ناشی از تصادف نبوده و رابطه ای سیستماتیک برقرار است. ضرایب توافق کرامرز و پیرسون نیز وجود این رابطه را تأیید می نماید.

### زنان بعد از ازدواج

جدول شماره ۳۲: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب تعارضات روحی روانی زنان بعد از ازدواج و تابعیت همسر

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله تعارضات روحی روانی زنان بعد از ازدواج
	غیر ایرانی	ایرانی	
۳۳	۲۳	۱۰	بلی
۲۶۸	۱۳۳	۱۳۵	خیر
۳۰۱	۱۵۶	۱۴۵	کل
$\chi^2 = ۴/۷۴۰$		DF = ۱	Sig = ۰/۰۲۲
Cramer's V = ۰/۱۲۵			Sig = ۰/۰۲۹
Pearson = ۰/۱۲۵			Sig = ۰/۰۲۹

کای اسکوتر محاسبه شده در رابطه میان رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و احتمال افزایش تعارضات روحی روانی زنان بعد از ازدواج نشانگر وجود رابطه میان این دو بوده و لذا فرض H<sub>۰</sub> رد می گردد. چرا که  $\chi^2$  محاسبه شده یعنی (۴/۷۴) از  $\chi^2$  جدول با درجه آزادی ۱ و در سطح ۰/۰۵ و یعنی رقم ۳/۸۴ بزرگتر می باشد. بدین ترتیب فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه « با رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه احتمال بروز تعارضات روحی روانی اینگونه زنان افزایش می یابد »، مورد تایید واقع گردیده است. همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود سطوح معناداری آزمونهای کرامرز و پیرسون نیز حاکی از وجود رابطه معنا دار میان متغیرهای مورد مطالعه می باشد.

### فرزندان آنان

جدول شماره ۳۳: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب تعارضات روحی روانی فرزندان و تابعیت همسر

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله تعارضات روحی روانی فرزندان
	غیر ایرانی	ایرانی	
۳۷	۳۴	۳	بلی
۲۶۵	۱۲۳	۱۴۲	خیر
۳۰۲	۱۵۷	۱۴۵	کل
$\chi^2 = ۲۶/۹۰$ Cramer's V = ۰/۲۹۸ Pearson = ۰/۲۹۸			DF = ۱ Sig = ۰/۰۰۰ Sig = ۰/۰۰۰ Sig = ۰/۰۰۰

مقدار کای اسکوتر محاسبه شده برای رابطه بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و احتمال افزایش تعارضات روحی روانی فرزندان آنان نشان از معنی داری بسیار بالای رابطه متغیرهای مذکور دارد. کای اسکوتر محاسبه شده برابر با ۲۶/۹۰ است که از  $\chi^2$  جدول در سطح ۰/۰۱ (۶/۶۴) بسیار بزرگتر می باشد. یعنی اینکه احتمال تصادفی بودن و یا ناشی از اشتباه بودن کسب چنین مقدار بزرگی نزدیک به صفر خواهد بود. بدین ترتیب فرضیه پژوهشگر مبنی بر اینکه با رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، میزان تعارضات روحی روانی فرزندان آنان افزایش می یابد، تأیید می گردد. که این مسئله در واقع یکی از پیامدهای تابعیتی و سجلی به شمار می آید چراکه فرزندان حاصل از اینگونه ازدواجها همانگونه که قبلاً هم ذکر گردید فاقد هویت و تابعیت هستند که این امر در ایجاد تعارضات روحی روانی بی تأثیر نخواهد بود.

### ازدواج زنان دارای همسر غیر ایرانی

جدول شماره ۳۴: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب تعارضات روحی روانی قبل و بعد از ازدواج زنان دارای همسر غیر ایرانی

کل	خیر	بلی	تعارض روحی روانی بعد از ازدواج
			تعارض روحی روانی قبل از ازدواج
۹	۱	۸	بلی
۱۴۷	۱۳۲	۱۵	خیر
۱۵۶	۱۳۳	۲۳	کل
$\chi^2 = 41/772$ Cramer's V = 0/517 Pearson = 0/517			DF = 1 Sig = 0/000 Sig = 0/000 Sig = 0/000

از آنجا که  $\chi^2$  محاسبه شده (۴۱/۷۷۲) بسیار بزرگتر از  $\chi^2$  جدول در سطح (۰/۰۱) (۶/۶۴) می باشد، لذا این نتیجه حاصل می شود که بین تعارضات روحی روانی زنان دارای همسر غیر ایرانی بعد از ازدواج و قبل از ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد.

بدین ترتیب فرض H<sub>۰</sub> رد می شود و فرضیه پژوهشگر مبنی بر اینکه میزان تعارضات روحی روانی زنان دارای همسر غیر ایرانی بعد از ازدواج بیشتر از قبل از ازدواج است پذیرفته می شود. همان طور که در جدول فوق مشاهده می گردد آزمونهای آماری دیگر ضریب توافق کرامرز و پیروسون نیز حاکی از وجود رابطه معناداری بین متغیرهای مذکور می باشد.



جدول شماره ۳۵: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب سطح سواد فرزندان و تابعیت همسر

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله سطح سواد فرزندان
	غیر ایرانی	ایرانی	
۵۷	۴۱	۱۶	بیسواد
۲۶۶	۱۳۸	۱۲۸	ابتدایی
۱۸۴	۷۵	۱۰۹	راهتمایی
۱۷۶	۵۲	۱۲۴	متوسطه
۲۵	۸	۱۷	فوق دیپلم
۳۰	۳	۲۷	لیسانس و بالاتر
۷۳۸	۳۱۷	۴۲۱	کل
$\chi^2 = ۵۵/۹$		DF = ۱	Sig = ۰/۰۰۰
Cramer's V = ۰/۲۷۵			Sig = ۰/۰۰۰
Pearson = ۰/۲۶۷			Sig = ۰/۰۰۰

کی دو محاسبه شده در این جدول برابر ۵۵/۹ می باشد که از کی دو جدول با درجه آزادی ۱ و در سطح ۰/۰۱ یعنی ۶/۶۴ بزرگتر می باشد. بدین ترتیب می توان گفت که فرض  $H_0$  رد شده و فرض  $H_1$  و فرضیه پژوهشگر مبنی بر اینکه بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و سطح سواد فرزندان رابطه وجود دارد پذیرفته می شود.

همان طور که در جدول هم مشاهده می شود با رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، سطح سواد فرزندان آنان نیز کاهش می یابد که این رابطه معناداری توسط آزمونهای دیگر از جمله کرامرز و پیرسون نیز مورد تأیید واقع شده است.

جدول شماره ۳۶: توزیع فراوانی نمونه مورد بررسی بر حسب نوع شغل فرزندان و تابعیت همسر

کل	تابعیت همسر پاسخگو		مقوله نوع شغل فرزندان
	غیر ایرانی	ایرانی	
۲۱۰	۱۲۲	۸۸	خانه دار / بیکار
۹۱	۵۹	۳۲	کارگر
۳	۲	۱	صنایع دستی
۲۳	۲	۲۱	کارمند
۲۷	۹	۱۸	مشاغل خدماتی
۱۰	۱	۹	مشاغل فروشندگی
۳۳۷	۱۱۳	۲۲۴	محصل و دانشجو
۳۷	۹	۲۸	سایر
۷۳۸	۳۱۷	۴۲۱	کل
$\chi^2 = ۳۵/۱۰$		DF = ۱	Sig = ۰/۰۰۰
Cramer's V = ۰/۲۱۸			Sig = ۰/۰۰۰
Pearson = ۰/۰۷			Sig = ۰/۰۵۸

نوع شغل فرزندان نیز از متغیرهای تأثیرپذیر از رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه است که با توجه به کی دو محاسبه شده فوق (۳۵/۱۰) نسبت به کی دو جدول با درجه آزادی او در سطح ۰/۰۱ (۶/۶۴) می توان آن را اثبات شده دانست. به عبارت دیگر با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت فرضیه محقق مبنی بر اینکه بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و پیشرفت شغلی فرزندان آنان رابطه وجود دارد، مورد تأیید واقع شده یعنی اینکه فرض H. رد می شود. ضرایب توافق پیرسون و کرامرز نیز این فرض را تأیید می نماید.

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود فرزندان زنان دارای همسر غیر ایرانی بیشتر از فرزندان زنان دارای همسر ایرانی بیکار و یا در مشاغل کارگری شاغل هستند که این مورد نیز متأثر از پیامدهای تابعیتی و سجلی این فرزندان می باشد. چرا که آنان به دلیل فقدان هویت نمی توانند در مشاغل کارمندی و خدماتی و ... اشتغال داشته باشند.

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

# فصل پنجم

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

# نتیجه گیری

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

در پژوهش حاضر سعی شده تا با بررسی ابعاد مختلف موضوع ازدواج مهاجرین ساکن در ایران با زنان ایرانی به وجوه مختلف این امر از منظر قوانین جاری جمهوری اسلامی پرداخته و آثار تابعیتی این ازدواج ها و اثرات آن در وضعیت هویتی فرزندان حاصل از ازدواج اینگونه زنان با اتباع بیگانه را روشن نماید. همچنین سعی شده پیامدهای اینگونه ازدواج ها را در عرصه های مختلف به درستی تحلیل نموده و در نهایت نیز راه کارها و پیشنهادهای لازم برای حل موضوع و نیز پیشگیری از وقوع آن در آینده ارائه شود.

یافته های ذیل از تحقیق منتج گردیده که به صورت خلاصه بشرح ذیل بیان می گردد:

۱- برابر اطلاعات جمع آوری شده از جامعه نمونه، تعداد و درصد بی سوادان در میان شوهران خارجی نسبت به شوهران ایرانی بیشتر می باشد. البته درصد بی سوادان در میان زنان ازدواج کرده با مردان خارجی نیز نسبت به زنان مزدوج با مردان ایرانی بیشتر است. این موضوع نشان دهنده این وضعیت است که بیشتر زنان دارای سطوح پایین تحصیلات راغب به ازدواج با مردان خارجی بوده و هر چه سطح تحصیلات بالاتر می رود از این رغبت کاسته می شود.

۲- اطلاعات تحقیق حاکی از این است که میزان فعالیت مهاجرین بیشتر از افراد بومی است. لذا درصد مهاجرین بیکار نسبت به مردان ایرانی کمتر می باشد. این امر موید این مطلب است که مردان خارجی برای گذراندن زندگی به هر نوع شغل و با حداقل دستمزد تن می دهند که این مسئله رقابت در بازار کار و پایین ماندن دستمزدها را به دنبال داشته و بازار کار در سطوح پایین را اشباع نموده است.

۳- از نظر تابعیت، حداکثر مردان خارجی ازدواج کرده با زنان ایرانی را مردان تبعه افغانستان و سپس اتباع عراقی تشکیل می دهند. وجود بحرانهای اجتماعی و سیاسی در این کشورها و بازبودن درهای کشور بر روی مهاجرین و اورگان از عوامل عمده مهاجرت وسیع و گسترده این افراد به کشورمان بوده که متأسفانه به علت تداوم بحران در کشورهای مبدا و فراهم بودن شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در ایران، حضور مهاجرین در کشور تداوم پیدا نموده و نتایجی چون بروز پدیده مورد مطالعه را بوجود آورده است.

۴- فرزندان زنان دارای همسر غیر ایرانی از نظر تحصیلات در سطح بسیار پائین تری از فرزندان زنان دارای همسر ایرانی هستند. این امر یکی از مهمترین پیامدهای تابعیتی و سجلی ناشی از اینگونه ازدواجهاست.

ایرانی فاقد تابعیت و شناسنامه ایرانی بوده، لذا همانند افرادی که تابعیت و هویت ایرانی ندارند از بسیاری از مزایا محروم می شوند و امکان پیشرفت تحصیلی برای آنان همانند فرزندان زنان دارای همسر ایرانی میسر نمی باشد. به عبارت دیگر قربانیان اصلی اینگونه ازدواجها فرزندان آنها می باشند، که زیانهای متقابلی به آنان و اجتماع وارد می گردد.

۵- رابطه میان پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجه و نوع شغل فرزندان آنان، در تحقیق حاضر بسیار معنی دار نشان می دهد. عده زیادی از فرزندان این زنان یا بیکار بوده و یا به مشاغل پست و سطح پایین و کم درآمد مشغول می باشند. نداشتن مدارک هویتی و اسناد سجلی را از مهمترین موانع پیشرفت شغلی در سطح جامعه برای این افراد می توان بر شمرد.

۶- میان رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و احتمال افزایش افراد فاقد هویت و اسناد سجلی رابطه معناداری بدست آمده بطوریکه هر چه این پدیده یعنی ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه افزایش یابد، تعداد افراد فاقد هویت و اسناد سجلی نیز به مراتب افزایش می یابد. منحنی فراوانی پرونده های فاقد ورقه در شهرستانهای استان از منحنی فراوانی ازدواج با مردان خارجی تبعیت می نماید.

۷- نتایج مربوط به سوابق اجتماعی و حقوقی نشان می دهد که احتمال بروز سابقه کیفری و اعتیاد در بین فرزندان زنان دارای همسر غیر ایرانی بالاتر از سایرین می باشد. عدم تکلیف قطعی در مورد تابعیت این فرزندان و نداشتن اسناد سجلی از یک طرف باعث گردیده است که به منظور بدست آوردن هویت ایرانی به روشها و اهرم های غیرقانونی و خلاف دست زده و از طرف دیگر احساس عدم تعلق هویتی به جامعه ایرانی باعث می گردد که انجام جرم و بزهکاری برای این افراد فاقد بار روانی اجتماعی و در نتیجه سهل تر باشد.

۸- رابطه معناداری قوی بین رواج پدیده ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه و احتمال وجود ناهنجاریهای اجتماعی فرزندان وجود دارد. در واقع فرزندان حاصل از این ازدواجها با توجه به اینکه فاقد هویت و تابعیت ایرانی هستند، زمینه پیشرفت تحصیلی و شغلی برایشان میسر نمی باشد. لذا دچار تزلزل شخصیت فردی و اجتماعی گردیده که ناهنجاریهای اجتماعی نیز نتیجه این تزلزل و فروپاشی شخصیتی به ویژه در دوران جوانی بوجود می آید.

تبعات ازدواجهای مزبور می باشد که با توجه به یافته های این تحقیق به اثبات رسیده است . عدم تعیین تکلیف هویتی و سایر مشکلات ناشی از آن باعث ایجاد نوعی تعارض در این فرزندان گردیده که بتدریج به فشارها و تعارضات روانی بدل می گردد.

۱۰- وجود تعارضات روحی و روانی در زنان مزدوج با مردان خارجی قبل و بعد از ازدواج از فراوانی و درصد بالایی برخوردار می باشد. با استناد به یافته های این تحقیق می توان ادعا کرد که وجود تعارضات روحی و روانی و مشکلات مربوط به آن یکی از عوامل مستعد کننده زنان به تمایل به ازدواج با خارجیان بوده و از طرف دیگر بروز و وقوع این نوع ازدواج و معضلات و مشکلات ناشی از آن می تواند از عوامل تشدید تعارضات روحی و روانی اینگونه زنان باشد .

### **- پیشنهادات و راهکارها:**

پس از انجام تحقیقات نظری و عملیاتی به نتایجی دست پیدا نموده که در قسمت قبل بطور مشروح بیان شده اند. براساس این نتایج و با توجه به مطالعات نظری تحقیق، پیشنهاداتی بشرح ذیل و به منظور ساماندهی به وضع پدیده مورد مطالعه ارائه می گردند:

- ۱- کنترل دقیق مرزهای کشور:
- ۲- بازبینی و اصلاح قوانین مربوط به تابعیت :
- ۴- ارتقاء خدمات بهداشت روانی بخصوص در مورد زنان :
- ۵- تدوین و اجرای برنامه آموزش زنان :
- ۶- انجام پژوهشهایی در زمینه شناخت ویژگیهای مهاجرین و قوانین و شرایط کشورهای مبدا :
- ۷- برنامه ریزی در جهت ارتقاء سطح تحصیلات زنان :

### فهرست منابع و مآخذ

- بداغی ، فاطمه (۱۳۸۳) ، ازدواج و تابعیت زن ایرانی ، نشریه کتاب زنان ، سال ششم شماره ۲۴.
- جعفری لنگرودی، محمود (۱۳۸۵) ، ترمینولوژی حقوق ، چاپ شانزدهم ، انتشارات گنج دانش.
- زاهدی نیا ، علی و موسوی ، سید علی (۱۳۸۴) ، "بررسی حقوق اتباع خارجی در ایران" طرح پژوهشی اداره کل ثبت احوال خراسان رضوی.
- ساروخانی ، باقر (۱۳۷۷) ، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول ، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، چاپ چهارم ، تهران.
- سرایبی ، حسن (۱۳۷۲) ، مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق ، انتشارات سمت.
- سلجوقی ، محمود (۱۳۷۰) ، حقوق بین الملل خصوصی ، جلد اول ، انتشارات دفتر حقوقی.
- سید شکری و استاد رحیمی " پیامدهای ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه " [of iran.com](http://iran.com)
- <http://sociology>
- کریمی ، حسین (۱۳۷۳) ، مجموعه قوانین و مقررات حقوق ، چاپ روزنامه رسمی کشور.
- ماحوزی ، علیرضا (۱۳۷۹) ، مجموعه قوانین و مقررات ثبت احوال ، چاپخانه حیدری.
- موزر و کالتون (۱۳۶۷) ، روش تحقیق در علوم اجتماعی ، ترجمه کاظم ایزدی، انتشارات کیهان، چاپ اول.
- منصورفر، کریم (۱۳۷۴) ، روشهای آماری ، نشر دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- نصیری ، محمد (۱۳۷۲) ، حقوق بین الملل خصوصی ، انتشارات آگاه.